

در چهارمین سال صدور فتوای قتل سلمان رشدی و پافشاری حکومت اسلامی بر اجرای آن

اعتراض جهانی به حکم قتل رشدی شدت یافت

● خامنه ای: دولتهای غربی باید سلمان رشدی را تحویل دهند

● سازمان یونسکو و کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد فتوای قتل رشدی را محکوم کردند

● در اعتراض به فتوای قتل رشدی دولت آلمان سفیر خود را از تهران فراخواند و دولت انگلیس کار دار ایران در لندن را به وزارت خارجه احضار کرد

● دولت آمریکا نیز خواستار لغو فتوای قتل رشدی شد

واکنش خود چهارشنبه هفته گذشته کاردار سفارت جمهوری اسلامی در لندن را به وزارت خارجه فرا خواند و نسبت به اظهارات و تأکیدات مسئولان حکومت اسلامی در اجرای فتوای قتل سلمان رشدی شدت اعتراض کرد. پیش از این وزارت خارجه انگلیس در واکنش نسبت به اظهارات خامنه ای اعلام کرده بود که به تلاشهای خود برای لغو فتوای اعدام رشدی ادامه خواهد داد و خواهد کوشید مسئله را در دولت آلمان نیز در اعتراض به اصرار حکومت اسلامی در اجرای فتوای قتل، هفته گذشته سفیر خود را از تهران فراخواند و دولت آمریکا از رژیم جمهوری اسلامی خواستار لغو حکم قتل نویسنده کتاب آیات شیطانی شد. وزیر فرهنگ دولت فرانسه نیز در گردهمایی که در چهارمین سال صدور فتوای خمینی در آن کشور برگزار شده بود حکم قتل سلمان رشدی را غیر قابل پذیرش خواند و اعلام کرد کوشش دولت فرانسه در مخالفت با فتوای خمینی تا زمانی ادامه در صفحه ۲

مسلمانان اعلام کرد و گفت: "سطح بین المللی" حل کند. دولت آلمان نیز در اعتراض به اصرار حکومت اسلامی در اجرای فتوای قتل، هفته گذشته سفیر خود را از تهران فراخواند و دولت آمریکا از رژیم جمهوری اسلامی خواستار لغو حکم قتل نویسنده کتاب آیات شیطانی شد. وزیر فرهنگ دولت فرانسه نیز در گردهمایی که در چهارمین سال صدور فتوای خمینی در آن کشور برگزار شده بود حکم قتل سلمان رشدی را غیر قابل پذیرش خواند و اعلام کرد کوشش دولت فرانسه در مخالفت با فتوای خمینی تا زمانی ادامه در صفحه ۲

این فشارها زمانی فزونی گرفت که علاوه بر هلی خامنه ای، دیگر مقامات جمهوری اسلامی نیز بر لزوم اجرای فرمان خمینی مبنی بر قتل نویسنده کتاب آیات شیطانی تأکید کردند. نمایندگان مجلس شورای اسلامی به تبعیت از خامنه ای، با تهیه طوماری به امضاء ۱۸۵ نماینده خواهان اجرای حکم خمینی و قتل سلمان رشدی شدند. خامنه ای در سخنرانی خود در جمع عده ای از وعظ و روحانیون، در آستانه ماه رمضان، با تأکید بر غیر قابل تغییر بودن فتوای قتل سلمان رشدی، اجرای آن را همچنان وظیفه

پافشاری مقامات جمهوری اسلامی به اجرای حکم قتل سلمان رشدی، نویسنده کتاب آیات شیطانی که چهار سال پیش از جانب خمینی صادر شد، با اعتراض گسترده دولتها و مجامع بین المللی روبرو شد و حکومت جمهوری اسلامی زیر فشار شدید بین المللی قرار گرفت. تاکنون دولتهای انگلیس، فرانسه، ایتالیا، آلمان و ایالات متحده آمریکا و نیز کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل و دبیر کل سازمان یونسکو نسبت به حکم قتل رشدی و اصرار مسئولان رژیم بر اجرای آن اعتراض کرده و خواستار لغو آن شده اند.

منتظری، در دسری برای حکومت اسلامی

انتقادات منتظری به سران رژیم و سیاستهای حکومت در روز ۲۱ بهمن در جمع شاگردانش خشم حکومتیان را برانگیخت و به تازگی در شهر قم منجر شد. بنوشته روزنامه جمهوری اسلامی منتظری خود را نسبت به انقلاب، "مادر" و "دیگران را" "دایه" قلمداد کرده است. بدنبال این سخنان مشکینی در خطبه نماز جمعه شنبه منتظری حمله کرد و حزب الهی ها بعد از مراسم نماز جمعه "باشعار" منتظری اعدام باید گردد. "بخانه وی یورش بردند و باطر فداران او درگیر شدند روز بعد از این حادثه جمعی از طلاب حوزه علمیه دست به راهپیمایی علیه وی زدند. برخی گزارشها حاکی از آنست که در جریان درگیریها سه نفر کشته و عده ای زخمی شده اند. در پی این حوادث، شایع شد که منتظری دستگیر و بزرگان اوین منتقل شده است. اما صحت خبر هنوز از سوی هیچ منبع رسمی تأیید نشده است.

روزنامه جمهوری اسلامی در شماره روز دوشنبه (بیست و ششم بهمن ماه) در سرمقاله خود به منتظری حمله کرد و او را بطور غیر مستقیم بمرگ تهدید نمود. جمهوری اسلامی نوشت: این دریای خروشان است که هر کس در برابر آن بایستد خود را به هلاکت و صلابت میکشاند. حیف است کسی که با مرحمت امام به حیات اجتماعی دوباره ای دست یافته، با دست خود به هلاکت برسد. منتظری مدتی قبل به توطئه احتمالی قتل خود اشاره کرده بود: "... آنجا که همه جا ایادی دارند، متاسفانه در حوزه ها هم احتمالا داشته باشند... در نجف مرحوم آخوند خراسانی که از موسسین مشروطیت بود وقتی دید قضایا وارونه شده و خواست بطرف ایران حرکت کند، شب سخته کرد. آخوند سالم هم اینکه تصمیم میگیرد به ایران بیاید سخته میکند !!!"

از مقاله روزنامه جمهوری اسلامی مشخص است که منتظری با وجود محدودیتهای شدیدی که برایش وجود آورده اند، هم چنان بانها مختلف به فعالیت خود ادامه میدهد. این روزنامه از "رفت و آمدهای بی حاصل با فلان عالم نمای ضد انقلاب و جریانهای سیاسی آلوده و انتشار جزوه های مظلوم نمایانه" سخن به میان آورده است. حادثه اخیر حاکی از آنست که منتظری در تداوم فعالیتهايش، اوضاع کنونی را مساعد دیده و انتقادات خود علیه رژیم را تشدید کرده است. و خامنه ای و همکاران او که از مدتها قبل بدنبال بهانه بودند، در برابر این انتقادات به شدت عکس العمل نشان داده اند. موضع روزنامه جمهوری اسلامی مشخصا انعکاس مواضع خامنه ای و تجدیدات او دارد و دستهاش است.

منتظری از جوانب مختلف برای خامنه ای و همکارانش و بطور کلی هیئت حاکمه خطر بحساب میآید. آنها و اومه دارند که عناصر مذهبی ناراضی از هیئت حاکمه بطرف منتظری گرایش یابند و به نیروی قابل توجه تبدیل شوند. آنها میدانند منتظری کسی بود که در مقابل خمینی ایستاد و با جنبه هائی از سیاستهای سرکوب گرانه حکومت اسلامی و کشتار زندانیان سیاسی به مخالفت برخاست. او بهمین خاطر هم، قائم مقامی خود را از دست داد و با وجود فشارهای خمینی و همدرستانش از نظرات خود برنگشت. منتظری فردی است از ادامه در صفحه ۲

سالگرد انتشار

اسفندماه امسال، نشریه کار بدون احتساب فاصله زمانی اسفندماه ۶۰ تا اسفندماه ۶۲، دوازده سال انتشار بی وقفه را پشت سر می نهد: در سه دوره انتشار بیش از ۲۹۰ شماره، دوره اول، هفتگی و بمدت سه سال از فردای پیروزی انقلاب بهمن و هلنی شدن فعالیت سازمان تا اسفند سال ۶۰ که رژیم جمهوری اسلامی پس از مدتها تضییق، توطئه و فشار، آنرا توقیف کرد. دوره دوم، در تبعید سیاسی و بمدت هفت سال با پیروزی زمانی ماهانه، که از اسفند سال ۶۲ تا اسفند ۶۹ دوام یافت. و دوره سوم، در پی سازماندهی جدید از دو سال پیش به اینسو، ابتدا به صورت هفتگی و سپس یک هفته در میان و باز هم در تبعید! کار، زبان، اندیشه و سیمای سازمان ما بوده و همچنان پرچم برافراشته ماست. کار، ماندنیان خلق را در پهنه کشور به مردم شناسانده است، به دوستان نشان

سیل بی سابقه در ۱۱ استان کشور

سیل بی سابقه در ۱۱ استان کشور وقوع سیلابهای بیسابقه که بخشهای وسیعی از کشور را در بر گرفته، تلفات جانی و خسارات فراوان و عظیمی به بار آورده است. سیل در نقاط مختلف از ۳ هفته پیش آغاز شده و تا لحظه تنظیم این گزارش ادامه داشته است. این سیل به دنبال بارندگیهای بی وقفه و مداوم، پهنه ۱۱ استان کشور را در بر گرفته است. مطابق گزارشهای رسمی بیش از ۳۳۰ شهر و ۶۹۴۰ روستا را سیل فرا گرفته و بسیاری از آنها را ویران کرده است. خسارات وارده به شهرها و روستاهای سیل گرفته بین ۳۰ تا ۱۰۰ درصد اعلام شده است. مطابق آمار رسمی تا روز ۲۶ بهمن دستکم ۳۷۶ نفر جان خود را از دست داده اند. مطابق همین آمارها دو هفته پس از شروع سیل خسارات آن به ۳۲۰ میلیون ریال رسیده است. در جریان طغیان رودخانهها و بارندگیهای اخیر، صدها مدرسه

در یک حادثه در دناک هوایی بیش از ۱۳۰ تن کشته شدند

در ساعت ۱۵/۱۵ دقیقه صبح روز دوشنبه ۱۹ بهمن بر خورد دو هواپیمای در آسمان تهران، فاجعه تازه ای آفرید. در این حادثه یک فروند جنگنده نظامی "سوخو" با یک هواپیمای مسافربری "توپولف" تصادف کرد و آردار هوا متلاشی ساخت. در این حادثه تا سف باره ۱۳۴ تن مسافرین و خدمه هواپیمای مسافربری و سر نشینان هواپیمای نظامی جان خود را از دست دادند.

تروریسم هریان و گسترده

برنامه های وسیع و دراز مدت جمهوری اسلامی برای ترور مخالفان در خارج از کشور به دنبال عقیم ماندن یک اقدام تروریستی هاملین جمهوری اسلامی، در روز ۱۸ ژانویه، گوشه ای از برنامه های گسترده این رژیم تبیگار برای ترور جمع کثیری از مخالفان رژیم در خارج از کشور، افشاشد. و این در حالیست که فقط کمتر از ۵ ماه از ترور ۴ تن از شخصیت های ایرانی ایوزیسیون در برلین، کمتر از چند هفته از قتل در روزنامه نگار ترک و یک ایرانی در ترکیه و حمله تروریستی به اتوبوس حامل ۴۰ تن از وابستگان سازمان مجاهدین خلق در عراق می گذرد. آخرین اقدام هلنی شده تروریستی جمهوری اسلامی در خارج از کشور بر اساس اظهارات فرد هدف ترور و گزارشهای انتشار یافته از اینقرار بوده است که از سوی شبکه آدمکشان رژیم در آلمان با دکتر مهدی حائری تماس گرفته شده و پس از ابراز آشنایی، از او تقاضای قرار ملاقات می شود. آقای حائری که در مقالات و سخنرانیهای خود

۸ مارس روز جهانی زن گرامی باد
در صفحات ۶ و ۷

تعریف، گروه بندی و خصلت نگاری نیروهای سیاسی کشور
ونگاهی به چشم انداز
در صفحه ۸



سالگرد انتشار



ادامه از صفحه ۱

ادامه از صفحه ۱

منتظری...

درون نظام ولی اپوزیسیون مثبت حاکمه کنونی. لذا برای آندسته نیروهایی که نظام جمهوری اسلامی را قبول دارند ولی با هیئت حاکمه کنونی مخالف هستند، میتوان جذب باشد.

جنبه دیگر قضیه موقعیت خامنه ای است، او در مقام اجتهاد نیست و رهبریش را نیز مدیون تباری گروهی از روحانیت حاکم و روایتی است که فرسنگانی و احمد خمینی از خمینی نقل کرده اند. در حقیقت خامنه ای، نه بجهت سلسله مراتب دستگاه روحانیت و نه بخاطر شایستگی، در مقام ولی قرار نگرفته است. در حالیکه منتظری در مقام اجتهاد قرار دارد. بگفته الویری هشتاد تا صد نفر از نمایندگان مجلس شورا در دوره قبلی مقلد منتظری بودند. بخشی از نیروهای جمهوری اسلامی منتظری را شایسته تر از خامنه ای برای مقام ولی فقیه میشناسند.

بین مواضع منتظری در مورد آزادیهای سیاسی با طرفداران رفرم در دین اسلام و بخشی از خطامامیها همسویی وجود دارد و این همسویی میتواند در آینده به نزدیکی و همکاری منجر شود و نیروی قابل توجهی از طرفداران رفرم شکل گیرد و بعنوان اکثریت از درون نظام در مقابل خامنه ای و دارو دسته او مطرح گردد. در این جریان اطلاعاتی در دست نیست. ولی شایعاتی در مورد راه انداختن عدهای از نمایندگان مجلس دوره قبل در آذر ماه سال گذشته برای دیدار با منتظری توسط او وجود دارد.

با توجه به مسائل ذکر شده، نارضایتی گسترده مردم و بحرانهای همیشگی که جمهوری اسلامی با آن دست بگریبان است، خامنه ای بیش از هر کسی از فعالیت و نیرو گرفتن منتظری شدت بیمناک است و بعین خاطر در مقابل گفتهها و حرکات او شدیداً عکس العمل نشان میدهد و میکوشد منتظری را در حال انزوا و تحت کنترل نگه دارد. روزنامه جمهوری اسلامی از منتظری میخواهد در همین محدودهای که خمینی برای او تعیین کرده است بکارهای علمی بپردازد و خود و دیگران را دچار دردسر نکند. اما منتظری ساکت ننشسته و همچنان برای هیئت حاکمه دردسر میافزاید. آنها نمیتوانند در مقابل فعالیتهای او بی‌اقتنا بمانند. بنظر نمی‌رسد حملات حکومتیان و تعدیلات خامنه ای به انصراف مواضع و فعالیتهای منتظری منجر شود. او همچنان در نظام جمهوری اسلامی مطرح می‌باشد و روشن است که هم حضور منتظری و هم حذف فیزیکی او برای رژیم حاکم در درازمدت آفرین است.

ادامه از صفحه ۱

اعتراض جهانی به...

نسبت به پیامدهای "سیاسی کردن" این مسئله به دولتتهای غربی هشدار داد. این تقلا برای آنست که اعتراض به فتوای خمینی را نادیده گرفتن معتقدات مذهبی مسلمانان قلمداد کنند، حال آنکه در داخل کشور صدها نویسنده و شاعر و هنرمندی هیچ ارتباطی با مسائل فقهی و دینی و تنها بجرم بیان عقاید فرهنگی، سیاسی و اجتماعی خود زیر انواع فشارها قرار دارند و تاکنون دهها نفر از آنان اعدام شده‌اند.

برای آزادی خواهان ایرانی فتوای خمینی در مورد سلمان رشدی چیزی از آن حکم عمومی حکومت اسلامی از بدو تولد خود علیه همه شهروندان ایرانی است که آنها را از حق بیان آزادانه عقاید خود محروم کرده است.

در اثر پانشاری بی‌خردانه حکومت اسلامی مسئله فتوای خمینی اکنون ابعاد بین‌المللی پیدا کرده است و احتمال آن دارد که مسئله به مجامع بین‌المللی از جمله شورای امنیت نیز کشیده شود. این در حالی است که حکومت اسلامی از چندین سو و بدلیل گوناگون زیر فشار بین‌المللی و در انزوای شدیدی قرار دارد. هر چند سران رژیم مدعی اند فتوای خمینی برای آنها جنبه اصولی (در واقع حیثیتی) دارد، اما چندان بعید نمی‌نماید که این مسئله نیز همانند پذیرش قطعنامه ۵۹۸ نهایتاً تبدیل به جام زهر دیگری شود که اینبار ملی خامنه‌ای ناگزیر از سرکشیدن آن باشد.

به اطلاع خوانندگان گرامی میرسانیم که بخاطر برگزاری جشن بیست و دومین سالگرد جنبش فداییان خلق ایران در روز شنبه ۶ ماه مارس در شهر بن آلمان، شماره ۵۵ نشریه کار

کشمیر یکی از هر صدهای مهم و موثر مبارزه در راه استقرار دموکراسی در کشور است. باید با تمام قوا به اقدامات متحد و هماهنگ در این زمینه دست یازید. فعالیت هماهنگ سازمان‌های شخصیت‌های منفرد، سازمان‌های حقوق بشر و کمیته‌های ضد ترور در هر صدهای دیپلماتیک، سیاسی و مطبوعاتی با اهداف معینی و اعلام خواست‌های معینی خطاب به مجامع بین‌المللی و دولت‌هایی که کشورشان محل اقدامات و صحنه حضور شبکه‌های تروریستی جمهوری اسلامی است می‌بایست مد نظر قرار گیرد. در این راستا اعمال فشار برای انتشار فهرست اسامی موجود در لیست ترور جمهوری اسلامی توسط پلیس آلمان و هلندی کردن اطلاعات جمع‌آوری شده در مورد ترور برلین و واقعه اخیر از کارآیی و معنیت برخوردار است. سازمان ما کماکان همه نیروها و افراد اپوزیسیون را به همگامی و هماهنگی در مبارزه علیه تروریسم رژیم فرا میخواند.

شماره بعدی "کار" با یک هفته تاخیر منتشر خواهد شد

امکان انتشار در سر موعده مقرر یعنی روز چهارشنبه ۱۰ مارس را ندارد. شماره آتی نشریه کار با یک هفته تاخیر در روز چهارشنبه ۱۷ مارس منتشر خواهد شد.

منظم و مداوم آنرا تضمین کنیم. در طول انتشار ۲۵ شماره گذشته، همه تلاش ما متوجه این بود که کار با انعکاس روندهای سیاسی در کشور، منطقه و جهان، با درج اخبار مربوط به حوادث مهم در جامعه، حکومت و اپوزیسیون، و نیز ارائه تحلیل و تفسیر از رویدادهای مهمه سیاسی، بتواند تماس فعالی با اوضاع سیاسی برقرار کند.

حاصل کار، موفقیت‌ها و دستاوردها و در همانحال وجود نارسایی‌ها و ضعف‌هایی است که خود بر آنها واقفیم و با تذکرات خوانندگان نشریه همواره نسبت به آنها وقوف بیشتری پیدا کرده و میکنیم.

در یک کلام، ما میتوانیم به همه دستداران کار اطمینان دهیم که در بکارگیری ظرفیت‌های سازمان و همکاران آن از تلاش باز نایستاده‌ایم و کوشیده‌ایم تا کار، مورد هلاکت و توجه خوانندگان قرار بگیرد. بویژه جای تاکید دارد که کار در بهبود فرم و شکل خود و نیز انتظام دهی به ساختار آن گام‌های چندی به پیش برداشته است.

اما کار برای رسیدن به سطح مطلوب مسلمانان راه دراز و کمک‌های فراوان نیازمند است و ما میخواهیم امیدوار باشیم که همه علاقمندان برافراشته ماندن نشریه کار، هیئت تحریریه و گروه فنی و توزیع را کمک خواهند رساند. کار، چه در دسترسی به اخبار، چه در دریافت مقاله، ترجمه و مطالب نظری، چه در هر صده تکمیل آرشيو هکس و طرح و چه در زمینه تایپ، ادیت و توزیع به یاری دوستان نیازمند است. اما در این میان، مسئله مالی همچنان معضل بسیار مهم کار است و ما ضمن سپاسگزاری از همه دوستانی که در سال گذشته به این دشواری توجه داشته و ما را مدد رسانند، بر انتظار خود در مورد تداوم این کمک‌ها و نیز افزایش سطح آنها همچنان تاکید می‌کنیم.

امید که، در سال تازه فعالیت کار در برابر علاقمندان نشریه سربلند باشیم. هیئت تحریریه کار

دبیر کل حزب دمکرات کردستان و همراهان وی، اجازه خروج چند دیپلمات-تروریست جمهوری اسلامی دست اندرکاران جنبش از خاک این کشور و هدم انتشار اطلاعات بدست آمده از آدمکشان رژیم ایران بویژه فهرست نام اشخاصی که تروریست‌ها مترصد فرصت مناسب برای ترور آنها هستند، نمونه‌های بارز این سیاست است. سیاستی که جمهوری اسلامی در برنامه ریزی‌های تروریستی خود در اکثر کشورهای اروپای غربی بطور جدی بر روی آن حساب باز کرده است.

معامله جویی و کم‌اهمیتی دولت‌های غربی به مسئولیتی که در مورد حفظ جان فعالین اپوزیسیون و پناهندگان سیاسی ایرانی دارند، بیش از پیش مسئولیت خطیری را که در این زمینه سازمان‌های سیاسی و شخصیت‌های اپوزیسیون برعهده دارند، گوشزد می‌کند.

و باید افزود درک این نکته از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است که فعالیت علیه تروریسم جمهوری اسلامی در خارج از

دبیر کل حزب دمکرات کردستان و همراهان وی، اجازه خروج چند دیپلمات-تروریست جمهوری اسلامی دست اندرکاران جنبش از خاک این کشور و هدم انتشار اطلاعات بدست آمده از آدمکشان رژیم ایران بویژه فهرست نام اشخاصی که تروریست‌ها مترصد فرصت مناسب برای ترور آنها هستند، نمونه‌های بارز این سیاست است. سیاستی که جمهوری اسلامی در برنامه ریزی‌های تروریستی خود در اکثر کشورهای اروپای غربی بطور جدی بر روی آن حساب باز کرده است.

معامله جویی و کم‌اهمیتی دولت‌های غربی به مسئولیتی که در مورد حفظ جان فعالین اپوزیسیون و پناهندگان سیاسی ایرانی دارند، بیش از پیش مسئولیت خطیری را که در این زمینه سازمان‌های سیاسی و شخصیت‌های اپوزیسیون برعهده دارند، گوشزد می‌کند.

و باید افزود درک این نکته از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است که فعالیت علیه تروریسم جمهوری اسلامی در خارج از

دبیر کل حزب دمکرات کردستان و همراهان وی، اجازه خروج چند دیپلمات-تروریست جمهوری اسلامی دست اندرکاران جنبش از خاک این کشور و هدم انتشار اطلاعات بدست آمده از آدمکشان رژیم ایران بویژه فهرست نام اشخاصی که تروریست‌ها مترصد فرصت مناسب برای ترور آنها هستند، نمونه‌های بارز این سیاست است. سیاستی که جمهوری اسلامی در برنامه ریزی‌های تروریستی خود در اکثر کشورهای اروپای غربی بطور جدی بر روی آن حساب باز کرده است.

معامله جویی و کم‌اهمیتی دولت‌های غربی به مسئولیتی که در مورد حفظ جان فعالین اپوزیسیون و پناهندگان سیاسی ایرانی دارند، بیش از پیش مسئولیت خطیری را که در این زمینه سازمان‌های سیاسی و شخصیت‌های اپوزیسیون برعهده دارند، گوشزد می‌کند.

و باید افزود درک این نکته از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است که فعالیت علیه تروریسم جمهوری اسلامی در خارج از

دبیر کل حزب دمکرات کردستان و همراهان وی، اجازه خروج چند دیپلمات-تروریست جمهوری اسلامی دست اندرکاران جنبش از خاک این کشور و هدم انتشار اطلاعات بدست آمده از آدمکشان رژیم ایران بویژه فهرست نام اشخاصی که تروریست‌ها مترصد فرصت مناسب برای ترور آنها هستند، نمونه‌های بارز این سیاست است. سیاستی که جمهوری اسلامی در برنامه ریزی‌های تروریستی خود در اکثر کشورهای اروپای غربی بطور جدی بر روی آن حساب باز کرده است.

معامله جویی و کم‌اهمیتی دولت‌های غربی به مسئولیتی که در مورد حفظ جان فعالین اپوزیسیون و پناهندگان سیاسی ایرانی دارند، بیش از پیش مسئولیت خطیری را که در این زمینه سازمان‌های سیاسی و شخصیت‌های اپوزیسیون برعهده دارند، گوشزد می‌کند.

و باید افزود درک این نکته از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است که فعالیت علیه تروریسم جمهوری اسلامی در خارج از

دبیر کل حزب دمکرات کردستان و همراهان وی، اجازه خروج چند دیپلمات-تروریست جمهوری اسلامی دست اندرکاران جنبش از خاک این کشور و هدم انتشار اطلاعات بدست آمده از آدمکشان رژیم ایران بویژه فهرست نام اشخاصی که تروریست‌ها مترصد فرصت مناسب برای ترور آنها هستند، نمونه‌های بارز این سیاست است. سیاستی که جمهوری اسلامی در برنامه ریزی‌های تروریستی خود در اکثر کشورهای اروپای غربی بطور جدی بر روی آن حساب باز کرده است.

معامله جویی و کم‌اهمیتی دولت‌های غربی به مسئولیتی که در مورد حفظ جان فعالین اپوزیسیون و پناهندگان سیاسی ایرانی دارند، بیش از پیش مسئولیت خطیری را که در این زمینه سازمان‌های سیاسی و شخصیت‌های اپوزیسیون برعهده دارند، گوشزد می‌کند.

و باید افزود درک این نکته از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است که فعالیت علیه تروریسم جمهوری اسلامی در خارج از

دبیر کل حزب دمکرات کردستان و همراهان وی، اجازه خروج چند دیپلمات-تروریست جمهوری اسلامی دست اندرکاران جنبش از خاک این کشور و هدم انتشار اطلاعات بدست آمده از آدمکشان رژیم ایران بویژه فهرست نام اشخاصی که تروریست‌ها مترصد فرصت مناسب برای ترور آنها هستند، نمونه‌های بارز این سیاست است. سیاستی که جمهوری اسلامی در برنامه ریزی‌های تروریستی خود در اکثر کشورهای اروپای غربی بطور جدی بر روی آن حساب باز کرده است.

معامله جویی و کم‌اهمیتی دولت‌های غربی به مسئولیتی که در مورد حفظ جان فعالین اپوزیسیون و پناهندگان سیاسی ایرانی دارند، بیش از پیش مسئولیت خطیری را که در این زمینه سازمان‌های سیاسی و شخصیت‌های اپوزیسیون برعهده دارند، گوشزد می‌کند.

و باید افزود درک این نکته از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است که فعالیت علیه تروریسم جمهوری اسلامی در خارج از

دبیر کل حزب دمکرات کردستان و همراهان وی، اجازه خروج چند دیپلمات-تروریست جمهوری اسلامی دست اندرکاران جنبش از خاک این کشور و هدم انتشار اطلاعات بدست آمده از آدمکشان رژیم ایران بویژه فهرست نام اشخاصی که تروریست‌ها مترصد فرصت مناسب برای ترور آنها هستند، نمونه‌های بارز این سیاست است. سیاستی که جمهوری اسلامی در برنامه ریزی‌های تروریستی خود در اکثر کشورهای اروپای غربی بطور جدی بر روی آن حساب باز کرده است.

معامله جویی و کم‌اهمیتی دولت‌های غربی به مسئولیتی که در مورد حفظ جان فعالین اپوزیسیون و پناهندگان سیاسی ایرانی دارند، بیش از پیش مسئولیت خطیری را که در این زمینه سازمان‌های سیاسی و شخصیت‌های اپوزیسیون برعهده دارند، گوشزد می‌کند.

و باید افزود درک این نکته از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است که فعالیت علیه تروریسم جمهوری اسلامی در خارج از

یادداشت

منشأ قهر ضد حکومتی

سوقصد به هاشمی رفسنجانی رئیس‌جمهور اسلامی در شب ۲۲ بهمن جلوه‌ای از اوضاع بحرانی و پر تنش است که جامعه ما را در بروز مییابد. اگر اخبار منتشره در مورد گستردگی این عملیات و ترورها و اقدامات واقعی باشد، آنگاه نباید به سادگی از چنین حادثه‌ای گذشت.

جمهوری اسلامی با یاری گرفتن از عوامل متعدد و با دست زدن به سرکوبهای بیرحمانه، کشتارهای وسیع و قساوتی بیمانند توانست برای دوره‌ای فعالیت گروههای سیاسی مخالف را فلج سازد و نیروهای آنها را از مبارزه آشکار سیاسی باز دارد.

امروز، شرایطی که به پدید آمدن این اوضاع منجر شد در حال دگرگونی است. سیاستهای فاجعه بار رژیم در تمامی زمینه‌ها، ادامه بحران اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، وخامت روز افزون سطح زندگی مردم و رشد فؤل آسای نارضایتی عمومی به مبارزه جویی علیه رژیم شتاب بیشتری بخشیده و آثابه یک پدیده تقریباً عمومی بدل کرده است. این مبارزه جویی به همت جامعه و به میان وسیع‌ترین اقشار مردم رسوخ کرده است. تظاهرات وسیع مردم در شهرهای شیراز، اراک، مشهد نه حوادثی اتفاقی، بلکه نشانه روندی است که در جامعه پدید آمده و به اشکال متفاوت ادامه یافته است. این نارضایتی همگام و اعتراضات متعدد، زمینه‌های مناسبی برای نیرو و سازمان احزاب سیاسی و پیدایش گروههای تازه پیکار جو فراهم می‌آورد.

رژیم برای مقابله با این روند، توانایی‌ها و امکانات سابق خود را از دست داده است. دیگر نه از ارتش ۳۰ میلیونی خبری است، نه از مادراتی که فرزندان خود را به پای رژیم و امام و اسلام قربانی سازند و نه از توده‌های وهم، پاسداران و مامورین اطلاعاتی

ادامه از صفحه ۱

رسمی انتشار نیافته است. از افراد دستگیر شده، فهرست بلند بالایی از شخصیتها و اعضا اپوزیسیون که در لیست ترور جمهوری اسلامی قرار داشته‌اند بدست آمده است.

در برخی گزارشها، این لیست صدنفره و در برخی دویست نفره ذکر شده است. روزنامه انقلاب اسلامی در هجرت از یک شبکه ۶۰ نفره از تروریستهای جمهوری اسلامی که توسط پلیس آلمان دستگیر شده‌اند، گزارش داده و نوشته است: "افراد این شبکه که لبنانی و ایرانی هستند، توسط سفارت ایران در سوریه به پاسپورت عربستان سعودی مچرز و به کشورهای فرانسه و انگلیس و آلمان فرستاده شده‌اند.

ماموریت آنها کشتن افرادی است که در لیست ۳۰۰ نفری قرار داده شده‌اند". جامعه دفاع از حقوق بشر در ایران در اطلاعیهای که بهمن مناسبت منتشر کرده است، برخی نام‌های مندرج در لیست مزبور را به نقل از آقای حائری که پلیس آلمان به وی نشان داده، درج کرده است.

در اقدامات اخیر حکومت علیه شخصیت‌ها و اعضا

اپوزیسیون در خارج از کشور دو نکته قابل توجه جدی است. نخست اینکه بار دیگر همان شد که ترور و تروریسم جزء لاینفک رژیم جمهوری اسلامی بوده و با هستی آن همجین است. معلوم شد که اظهارات رئیس‌جمهوری رژیم در همین هفته پیش که در دیدار با سفرای کشورهای خارجی با وقاحت تمام ترورهای انجام یافته را نتیجه وجود درگیری‌های درونی در نیروها قلمداد کرد و جمهوری اسلامی را از شرکت در این ترورها مبری دانست، چه اندازه ارزش دارد. و معلوم شد که رژیم آدمکش جمهوری اسلامی فقط به ترور یک عده از افراد سرشناس اپوزیسیون بسنده نمیکند بلکه در فکر ترور و نابودی جمع بزرگی از مخالفان خود در خارج از کشور است.

نکته دیگر به سیاست دولت آلمان و مشی بقایت معاشات‌گرا و معامله جویانه دولتمردان آلمان در قبال تروریسم جمهوری اسلامی مربوط می‌شود. مسکوت گذاشتن نتیجه تحقیقات ترور دکتر شرفکنندی

اپوزیسیون در خارج از کشور دو نکته قابل توجه جدی است. نخست اینکه بار دیگر همان شد که ترور و تروریسم جزء لاینفک رژیم جمهوری اسلامی بوده و با هستی آن همجین است. معلوم شد که اظهارات رئیس‌جمهوری رژیم در همین هفته پیش که در دیدار با سفرای کشورهای خارجی با وقاحت تمام ترورهای انجام یافته را نتیجه وجود درگیری‌های درونی در نیروها قلمداد کرد و جمهوری اسلامی را از شرکت در این ترورها مبری دانست، چه اندازه ارزش دارد. و معلوم شد که رژیم آدمکش جمهوری اسلامی فقط به ترور یک عده از افراد سرشناس اپوزیسیون بسنده نمیکند بلکه در فکر ترور و نابودی جمع بزرگی از مخالفان خود در خارج از کشور است.

نکته دیگر به سیاست دولت آلمان و مشی بقایت معاشات‌گرا و معامله جویانه دولتمردان آلمان در قبال تروریسم جمهوری اسلامی مربوط می‌شود. مسکوت گذاشتن نتیجه تحقیقات ترور دکتر شرفکنندی

اپوزیسیون در خارج از کشور دو نکته قابل توجه جدی است. نخست اینکه بار دیگر همان شد که ترور و تروریسم جزء لاینفک رژیم جمهوری اسلامی بوده و با هستی آن همجین است. معلوم شد که اظهارات رئیس‌جمهوری رژیم در همین هفته پیش که در دیدار با سفرای کشورهای خارجی با وقاحت تمام ترورهای انجام یافته را نتیجه وجود درگیری‌های درونی در نیروها قلمداد کرد و جمهوری اسلامی را از شرکت در این ترورها مبری دانست، چه اندازه ارزش دارد. و معلوم شد که رژیم آدمکش جمهوری اسلامی فقط به ترور یک عده از افراد سرشناس اپوزیسیون بسنده نمیکند بلکه در فکر ترور و نابودی جمع بزرگی از مخالفان خود در خارج از کشور است.

در یک حادثه در دناک ...

سقوط نمود. خلبان و کمک خلبان این هواپیما بلافاصله کشته شدند. هواپیمای مسافربری در آسمان منفجر شد و در یک محوطه نظامی بر روی تانکهای ارتش سقوط کرد. در این هنگام انفجار دوم رخ داد و باقی مانده هواپیما نیز متلاشی گردید.

این حادثه در دناک که با جشنهای رژیم بناسبت دهه نجر همزمان شد بزودی در میاهوی حکومتی ناشی از آن به فراموشی سپرده شد. مأموران رژیم با کنترل شدید محل سانحه مانع از درج کامل و صحیح حادثه در مطبوعات شدند. بسیاری از مردم در گفتگو با روزنامه‌ها از این برخورد حکومت ابراز نارضایتی کردند. به گفته آنها شایسته بود که به خاطر ادای احترام به ۱۳۴ انسانی که در این حادثه جان باختند، دستکم پرچمها به حالت نیمه افراشته در میامد. مقامات رژیم تاکنون نیز از توضیحات رسمی پیرامون هلاک این حادثه خودداری کرده‌اند و ضدو تقیض گویی‌های غیر رسمی را ادامه داده‌اند. در حالیکه به نوشته روزنامه سلام در هواپیماهای خطوط داخلی "جعبه سیاه" وجود ندارد، روزنامه رسالت مدعی است جعبه سیاه هر دو هواپیما پیدا شده، اما علیرغم آن هنوز توضیحی رسمی ارائه نشده است. اشتباه برج مراقبت فرودگاه تهران در دادن اطلاعات اشتباه یکی از عواملی است که به عنوان هلت این حادثه ذکر می‌شود. اما بطور قطع همزمانی مانور چند جنگنده نظامی را در نزدیکی باند پرواز هواپیمای مسافربری باید یکی دیگر از هلاک این سانحه دانست. گفتنی است که پروازهای تهرینی هواپیماهای نظامی حتی پس از وقوع فاجعه نوق نیز در آسمان شهر تهران و بر فراز مناطق مسکونی ادامه یافته است و به گفته بسیاری از مردم بروز نقص فنی در یکی از هواپیماهایی که بر فراز مناطق مسکونی شیرجه می‌روند می‌تواند موجب ضایعه تازه‌ای شود.

آنچه در این میان اهمیت دارد، عدم احساس مسئولیت لازم است که رژیم در برابر این نوع حوادث در پیش گرفته و باطنی قلمداد کردن چنین حوادثی هیچ‌گاه کسی از مقامات خود را مورد بازخواست قرار نمی‌دهد. تنها در ظرف یکماه دو حادثه در دناک تصادف دو قطار و دو هواپیما در حوزه مسئولیت یک وزیر اتفاق افتاده و جان بیش از ۲۰۰ نفر را ستانده است اما هیچ بازخواستی از هیچ مقامی صورت نگرفته است. مردم می‌گویند این نشانه ارزش جان انسان در جمهوری اسلامی است!

سیل بی سابقه در ...

سیل، وقوع آنرا هشدار داده بود، اما عدم آمادگی و اقدام به موقع نیروهای مسئول از یکسو و گسترده‌گی غیر قابل پیش‌بینی سیل از سوی دیگر باعث حجم عظیمی از خسارات و تلفات گردید که اکنون در ادامه خود با خسارات زلزله گیلان مقایسه می‌شود.

بستگان محمد علی عمویی نگران جان او هستند

بستگان محمد علی عمویی نامه‌ای خطاب به آقای گایندویل نماینده ویژه کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد نوشته‌اند و رونوشت آنرا در اختیار نشریه کار قرار داده‌اند. در این نامه آمده است:

"اخیرا (پیش از انتشار گزارش اخیر شما، خطاب به سازمان ملل متحد) به او اطلاع داده‌اند، که برای بار دوم و پس از گذراندن ۱۲ سال زندان، به دادگاه برده خواهد شد و در صورت تأیید حکم اول، اعدام خواهد شد."

در این نامه از کمیسیون حقوق بشر و مجامع فرهنگی جهان برای نجات محمد علی عمویی که با ۳۷ سال سابقه زندان، قدیمی‌ترین زندانی سیاسی جهان محسوب می‌شود طلب استمداد شده است.

هشدار عفو بین الملل

نسبت به خطر اعدام احمد غفرانی

مشهد بازداشت شده است. در مورد محاکمه، اتهامات وارده به او و محل بازداشتش اطلاعی در دست نیست. عفو بین الملل از خطر اعدام احمد غفرانی نگران است."

عفو بین الملل طی نامه‌ای به سازمانهای سیاسی اپوزیسیون از جمله سازمان ماطلاح داده است که احمد غفرانی در معرض خطر اعدام قرار دارد. در این نامه آمده است: "عفو بین الملل اطلاعاتی دریافت کرده است مبنی بر اینکه احمد غفرانی در هفته گذشته به مرگ محکوم شده است. هلت محکومیت او مخالفت سیاسی با حکومت بوده است. بر پایه این گزارش، او تقریباً یک ماه قبل در

وضع و خامت بار سید علی سلامت

در زندان تبریز

ما از همه نیروهای آزادیخواه میخواهیم که از هر طریق ممکن صدای این انسان در بند را به گوش جهانیان برسانند و از رژیم بخواهند تا مهندس سلامت را از زندان آزاد کنند.

بر اساس اخبار رسیده، مهندس سید علی سلامت که از سال ۵۹ تاکنون در زندان است با وضع و خامت باری روبروست. سلامتی این انسان متخصص به خطر افتاده و از انواع بیماری‌ها و از جمله بیماری پوستی شدت رنج می‌برد.

نمایشگاه بزرگ تسلیحاتی در ابوظبی

روز ۲۵ بهمن ماه گذشته نمایشگاه بزرگ بین المللی تسلیحاتی در ابوظبی افتتاح شد. در این نمایشگاه علاوه بر کشورهای منطقه، بنگاههای تسلیحاتی کشورهای بزرگ صادر کننده اسلحه نیز حضور داشتند. ۱۲۰ کمپانی نظامی امریکایی و از جمله ۲۷ شرکت تولید کننده تسلیحات و ابزارهای قضایی و همچنین کمپانیهای فروش اسلحه از کشورهای انگلستان، فرانسه، روسیه در زمره شرکت کنندگان این نمایشگاه بودند. موشکهای پاتریوت، دهه‌افروندناوشکن و ناو ضد زیر دریایی و تجهیزات موشکی و دریایی دیگر، هلی‌کوپترهای مخصوص مقابله با ناوها و انواع تجهیزات راداری در این نمایشگاه به نمایش درآمد. جمهوری اسلامی نیز یکی از شرکت کنندگان در نمایشگاه تسلیحاتی ابوظبی بود. به گزارش خبرگزاریها در فرقه جمهوری اسلامی سلاحهای ساخته شده در کشور از جمله انواع موشکهای مبرد کواته و قاتیق‌های تندرو به نمایش گذاشته شد.

برگزاری این نمایشگاه ابوظبی و به ویژه حضور گسترده شرکتی تسلیحاتی غربی را باید گامی در جهت سیاست تبدیل منطقه خاورمیانه به انباری انباشته از سلاح تعبیر کرد. منطقه ما بیش از آنکه به چنین نمایشگاههایی که هدف آنها بطور آشکار جلب و تحریکات رژیمهای منطقه به خرید تسلیحات بیشتر است احتیاج داشته باشد، به اقداماتی در جهت توقف روند جنون آمیز مسابقه تسلیحاتی نیاز دارد.

در حاشیه رویدادها

"دگراندیشان داخلی" و آمار واقعی راهپیمایی ۲۲ بهمن

بشدت بر می آشوبد و فردای همانروز در مقاله ای طولانی دست اندر کاران سلام را به "ممسوئی بافرب" متهم میکند که حرف دل خود را از زبان تلفنهای خوانندگان می نویسد. کیهان در نوشته مفضل خود زور زده تا "پوچ بودن" تحلیلجای مفسران قرب و "دگراندیشان داخلی" (که منظورشان گردانندگان روزنامه سلام باشد) در باره نارضایتی و رویگردانی مردم از حکومت را ثابت کند و در این میان "آن آقای محترم در تم" نیز (که منظورشان منتظری باشد) از نیش قلم نویسنده کیهان بی نصیب نمانده است. اما کیهان هیچ توضیحی در این باره ندارد که در فاصله انتخابات اخیر مجلس - که خود کیهان نیز تلویحا به عدم استقبال آشکار مردم از آن معترف بود - تا امروز، چه معجزاتی از حکومت اسلامی سر زده که مردم را بدفاع از نظام و مسئولان آنها (چنانکه کیهان مدعی است) بر انگیزده است؟ آیا افزایش توانفرسای مشکلات معیشت موجب حضور گسترده مردم در مراسم ۲۲ بهمن شده یا چماقداری حزب اله و هوچیگری و فوفاسالاری مسابا چون گردانندگان کیهان در ماههای اخیر؟

"زیر فشار بودم!"

آدم ضعیفی بود و در مقابل فشار احتمالی ممکن بود از خیلی چیزها دست بردارد. حتی احتیاج به زور و اجبار هم نداشت. این راه هم در باره او میگویند.

خبرنگار روزنامه جمهوری اسلامی به کیانوری میگوید که خود در بهار ۶۲ در مقابل دوربین تلویزیون به جاسوسی اعتراف کرده است. کیانوری در جواب میگوید: "تقیه کردم!"

خبر نگار میگوید: شما خودتان را مارکسیست معرفی کنید. به اصطلاحات فقهی پناه نبرید. این بهانه را کسی از شما نمی پذیرد. کیانوری جواب میدهد: بسیار خوب، به زبان دیگر می گویم. زیر فشار بودم!

در سالهای گذشته کم نبودند شمار آنهائیکه بزور شلاق و شکنجه جلوی دوربین تلویزیون کشانده شدند تا علیه خود و عقاید و اعمال خود سخن بگویند. بازار مصاحبه های تلویزیونی تا آنجا داغ بود که مهندس بازرگان که آنموقع هنوز نماینده مجلس بود بنصوی ظریف و رندانه گفت من از همین حالا آنچه را که پس از دستگیری جلوی دوربین تلویزیون خواهم گفت، تکذیب میکنم!

مراسم امسال ۲۲ بهمن شاید تنها تفاوتی که با سالهای پیش داشت، تبلیغات حکومت در باره "حضور گسترده مردم" در راهپیمایی بود. رنسنجانی گفت ۳۰ میلیون نفر در سراسر کشور در مراسم ۲۲ بهمن شرکت کردند. خبرگزاری جمهوری اسلامی از حضور ۵ میلیون نفر در راهپیمایی تهران سخن گفت و روزنامه کیهان با تیتیر درشت راهپیمایی تهران را "عظیم ترین راهپیمایی پس از پیروزی انقلاب" توصیف کرد.

اما روزنامه سلام بر خلاف اینها نوشت: "تعداد شرکت کنندگان تفاوت ملموسی با چند سال گذشته نداشته است." این روزنامه در شماره ۲۶ بهمن خود در ستون "الوسلام" مینویسد: بیش از ده مورد تلفن شده است که آمار ارائه شده در خصوص راهپیمایی تهران غیر واقعی بوده است و این امر را شایسته دست اندر کاران نداشته اند. سلام در جواب این تلفنهای نوشته است: هنگامیکه بدفاع کردن اهمیتی پیدا نمی کند، همین میشود که این خوانندگان گفته اند. جالب تر این است که همه ای به خیال دفاع از انقلاب تیتیر کرده اند که بزرگترین راهپیمایی در چهارده سال گذشته بوده است!

کیهان از این نوشته سلام

روزنامه اطلاعات در ضمیمه شماره ۲۱ بهمن ماه خود خبر از انتشار کتاب خاطرات کیانوری داده است که در ۶۸۷ صفحه با مطلع وزیری همراه با البومی از هکسهای تاریخی که یکصد صفحه کتاب را شامل میشود، به بازار آمده است. خود روزنامه اطلاعات از اوایل دیماه گذشته خاطرات کیانوری را بصورت پاورتی منتشر می کرد و از همان آغاز نیز اعلام کرده بود که خاطرات کیانوری بعدا بصورت کتاب انتشار خواهد یافت. اما اکنون بیش از سه هفته است انتشار این پاورتی ما متوقف شده و روزنامه اطلاعات در این باره چیزی ننوشته است.

این احتمال وجود دارد که این پاورتی ما دیگر ادامه نیابد، چرا که دفاعی که کیانوری از مواضع و عقاید خود در این خاطرات میکند، بعضا حاوی کنایه ها و نیش های گزنده ای است که هیچ خوشایند حاکمان نیست.

اما جالب تر از اینها محاوره ای است که کیانوری در مصاحبه اخیر خود با روزنامه جمهوری اسلامی با خبرنگار این روزنامه دارد. در این مصاحبه کیانوری در باره طبری میگوید: "طبری خیلی



بیست و دومین سالگرد جنبش فدائیان را هر چه با تکوین تر بر گزار کنیم!

در جشن بیست و دومین سالگرد جنبش فدائیان

همراه با برنامه های شاد موسیقی :
☆ ارکستر جاز موسیقی ایرانی
اجرای ترانه های خاطره انگیز

زمان : شنبه ۶ مارس ۱۹۹۳
ساعت ۶ بعد از ظهر
محل : آلمان - بن

Samstag, 06. März. 1993
18uhr
فروش بلیط :
در محل جشن
گروه فولکلوریک ایرانی
اجرای آهنگهای محلی ایرانی

توضیح ستاد برگزاری جشن سازمان

با تاسف از محروم شدن شما شرکت کنندگان محترم در جشن از هنر مردمی آقای هاشور پور، بدینوسیله از شما بخاطر خلف وعده پوزش می طلبیم.

ستاد برگزاری جشن سازمان در آلمان
بیست و یکم بهمن ماه
۱۳۷۱ - دهم ثوریه ۱۹۹۳

توضیح زیر را ستاد برگزاری جشن بیست و دومین سالگرد جنبش فدائیان جهت درج در نشریه در اختیار ما قرار داده است :

خانم ها و آقایان
به اطلاع میرسانیم که هنرمند گرامی آقای هاشورپور بدلیل کسالت امکان حضور در مراسم جشن بیست و دومین سالگرد جنبش فدائیان در آلمان را ندارند.

FORUM
Friedrich-Brauer-Str. 17
5300 Bonn 3 - Tel. 02 28/46 03

از میان رویدادها

موافقت جمهوری اسلامی با بازدید نمایندگان عفو بین الملل از ایران

آیت الله یزدی رئیس قوه قضائیه در خطبه‌های نماز جمعه روز ۲۳ بهمن ماه تهران ضمن دفاع از عملکرد جمهوری اسلامی در برابر مخالفین، از سازمانهای بین المللی دعوت کرد از ایران دیدن کنند.

رئیس قوه قضائیه وجود زندانی سیاسی و بازداشت افراد بخاطر تفکرشان را رد کرد و آنرا شایعه دشمنان خواند. یزدی گفت تا کسی علیه نظام وارد عمل نشود و دست به کاری نزند که نمونه جاسوسی است با او برخوردی نخواهد شد. وی در پاسخ به سازمان عفو بین الملل که طی نامه‌ای به سران رژیم در مورد علت محکومیت اعدام فردی بنام احمد غفرانی خواهان توضیح شده است گفت: من پرونده شخص مورد نظر را دیدم و معلوم شد که وی از جاسوسان درجه یک بوده و اسرار نظام را به دشمنان داده است و در همه جای دنیا اینچنین اعدام محکوم می‌شوند. یزدی از این دشمنان نامی نبرد. وی در ادامه سخنان خود از مجامع بین المللی دعوت کرد ضمن سفر به ایران موارد مورد نظر خود را اعلام کنند. از سوی دیگر نماینده سازمان عفو بین الملل در مصاحبه‌ای با خبرنگاری‌ها تاکید کرد که جمهوری اسلامی با بازدید مجدد نمایندگان این سازمان از ایران موافقت کرده است. به گفته وی این موافقت پس از ماهها مذاکره به دست آمده و نمایندگان این سازمان برای بررسی وضعیت حقوق بشر به زودی به ایران سفر خواهند کرد.

عفو بین الملل که یک سازمان جهانی مدافع حقوق بشر است، همواره نسبت به رفتار سرکوبگرانه جمهوری اسلامی با مخالفین سیاسی خود و شکنجه و اعدام در ایران موضع تند انتقاد آمیزی داشته است. به همین جهت جمهوری اسلامی نیز تا چندین بار پیش با این سازمان برخورد بسیار خصمانه‌ای داشت و آنرا آلت دست استکبار جهانی معرفی می‌کرد. موافقت با دیدار نمایندگان این سازمان از ایران نشانه موافقتی از سر اجبار و عقب نشینی جمهوری اسلامی در اثر فشارهای شدید بین المللی علیه نقض حقوق بشر در ایران، که در ماههای اخیر شدت تازه‌ای گرفته، ارزیابی شده است.

اجلاس وزرای خارجه ۱۰ کشور عضو او

سومین اجلاس سالانه وزرای خارجه ده کشور عضو او در کوئته پاکستان تشکیل شد و روز ۱۸ بهمن به کار خود پایان داد. این اجلاس مسائل مربوط به ارتباطات، صنعت و انرژی مورد بررسی قرار داد و پیشنهادهای شورای برنامه‌ریزی منطقه‌ای و کمیته فنی او برای اجرا تا سال ۱۹۹۷ در زمینه‌های تجارت، حمل و نقل و ارتباطات، صنعت، جهانگردی، انرژی، توسعه منابع انسانی و صندوق اگو تصویب شد. در اجلاس کوئته، وزرای خارجی کشورهای ایران، ازبکستان، ترکمنستان، آذربایجان، ترکیه، افغانستان، تاجیکستان، و پاکستان شرکت داشتند.

وزیر خارجه جمهوری اسلامی توافق‌های بدست آمده را مهم دانست. وی در مصاحبه‌ای با خبرنگاران در کوئته گفت بین

دولت تمامی ارز در یافتی را وارد بازار خواهد کرد

نوربخش به موضوع بدهی‌های خارجی کشور پرداخت و "ادعای مطرح شده" را غیر واقعی اعلام کرد و گفت برای اجرای پروژه‌های اقتصادی از اعتبارات خارجی استفاده شده است که در واقع تعهداتی است که سر سال بخشی از آن به تناسب زمان سررسید بازپرداخت می‌شود. وی تصریح کرد مجموع این تعهدات در ابتدای سال جاری حدود ۳۰ میلیارد دلار بود. وی در باره مالکیت پروژه‌هایی که با مشارکت سرمایه‌گذاران خارجی اجراء می‌شود گفت نسبت ۵۱ و ۴۹ می‌باشد که ممکن است در مورد پروژه‌هایی که از تکنولوژی بالا و پیچیده‌ای برخوردار است شورای عالی سرمایه‌گذاری با تغییر این نسبت موافقت کند.

محسن نوربخش وزیر اقتصاد و دارایی در گفتگویی با خبرنگاری جمهوری اسلامی ایران داشت با اجرای طرح "بازار سلف ارز"، در سال آینده سیستم بانکی کشور بطور فعال وارد بازار ارز خواهد شد و با پیش فروش ارز برای مصارف معینی "در تاریخ‌های آینده"، عملاً زمینه‌های ثبات بیشتر نرخ ارز را فراهم خواهد کرد. نوربخش در باره توان ارزی دولت برای تامین تقاضای ارز در بازار گفت: با اجرای سیستم تک تمامی ارز دریافتی خود را وارد بازار خواهد کرد. وی افزود به نظر می‌رسد تقاضای ارز در بازار برای مصارف دولتی و غیر دولتی بسیار کمتر از حجم ارز در گردش در بازار خواهد بود.

در ادامه همین گفتگو محسن



المپیک اسلامی

اولین دوره مسابقات ورزش زنان کشورهای اسلامی بمناسبت دهه فجر در تهران برگزار شد. در این مسابقات زنان ورزشکار از کشورهای آذربایجان، بلنگلادش، پاکستان، تاجیکستان، ترکمنستان، قرقیزستان، مالداوی، مالزی و ایران شرکت کردند. دکتر غفوری فرد رئیس سازمان تربیت بدنی در مراسم افتتاحیه مسابقات، این مسابقات را طرخی در برابر مسابقات المپیک که زنان در آن پوشش فیر اسلامی دارند و زنان با پوشش اسلامی نیز

نمی‌توانند در آن شرکت کنند، نامید. مراسم افتتاحیه رازتان و مردان باهم توانستند تماشا کنند. اما گزارشهای رسیده حاکی از آن است که در جریان مسابقات فقط بانوان حق حضور در سالن و تماشای مسابقات را داشتند. گفتنی است که همین مقدار سخاوت آقایان نسبت به بانوان نیز مورد اعتراض حزب‌الله قرار گرفته است. کیهان از زبان یکی از نویسندگان نش‌حمل پرچم جمهوری اسلامی توسط یک زن را مورد انتقاد قرار داد.

حمله به خودروی مجاهدین در بغداد فرماندهی

روزنامه کیهان در ستون اخبار ویژه خود خبر داده است که در حمله بدو خودرو مجاهدین در بغداد سه تن از فرماندهان نظامی این سازمان کشته و یک نفر مجروح شدند. روزنامه کیهان خبر مزبور را به نقل از "فرد ناشناسی" که به زبان کردی تکلم می‌کرد و با دفتر خبرگزاری جمهوری اسلامی در یکی از کشورهای اروپایی تماس گرفته، گزارش کرده است.

روزنامه کیهان در خبر مزبور که بسان اطلاعاتی وزارت اطلاعات رژیم تنظیم شده، مسبین این ترور را "افراد ناشناس" ذکر کرده و در ادامه خبر خود این حمله را "نتیجه اقدامات وحشیانه منافقین علیه کردها و شیعیان عراقی" دانست.

اطلاعیه مزبور یادآور شده است که در ماه جاری ۴ حمله به افراد سازمان مجاهدین صورت گرفته که در آخرین آن ۴۰ نفر کشته شدند.

خبر این اقدام تروریستی عوامل جمهوری اسلامی در شماره گذشته نشریه کار به چاپ رسید.

اطلاعیه‌های گروه 'بابک خرم دین'

گروه بابک خرم‌دین طی سه اعلامیه در تاریخ‌های ۲۲ و ۲۴ بهمن ماه، حمله به اتومبیل رنسانجی و کشته شدن چندتن از اعضا خود را اعلام نمودند. در این اعلامیه‌ها آمده است که در شامگاه بیست و یکم بهمن ماه در تقاطع خیابانهای طلوی و بزرگراه آفریقا سه واحد کماندویی از چریک‌های این سازمان به اتومبیل حامل رنسانجی حمله کرده و با شلیک مسلسل و آرمی‌جی اتومبیل وی و همراهان او را به رگبار بستند.

در پی زدو خورد گسترده‌ای که میان دو طرف در گرفت تعدادی از پاسداران رژیم و پنج تن از اعضا این سازمان کشته شدند. اسامی کشته‌شدگان این سازمان در این عملیات عبارتند از: عبدالعلی منصوری دانشجو، ناصر کیاشمشکی دانشجو، ستوان یکم مجید رشیدی، گروهان دوم محمد مهدی، ستوان دوم پاسدار منصور بابالو و اسامی دستگیرشدگان عبارتند از: حبیب‌الله گودرزی دانشجو، سروان پاسدار حمیدرضا فگارزاده، ستوان دوم صفر شیدائی.

در اعلامیه بعدی این سازمان آمده است که این سازمان "در برابر هر شهید از اسرای بابک خرم‌دین پنج مزدور جمهوری اسلامی را اعدام خواهد کرد." در این رابطه آمده است که "در شامگاه بیست و سوم بهمن ماه پنج تن از مزدوران رژیم در یک دادگاه صحرایی مرکب از سه تن از پرسنل ارشد سازمان "محکوم گردیده و بلافاصله اعدام شدند. اسامی افراد مزبور که توسط این سازمان اعدام گردیده عبارتند از: سیدجواد علی باری و باقر کیارس اعظمی بازجویان اوین، پاسدار اسماعیل فتورچی خالق، ابوالقاسم میجابادی و ابراهیم خاکباز هامریان.

نشریه ایران فردا:

خطر تجزیه ایران از سوی امریکا و دیگر قدرتهای استعماری

وهله اول بدفاع پرداخته و از تهاجم متقابل که نه کار ساز است و نه دارای ارزش پرهیز گردد. در چنین شرایطی میبایست کوشید تا تهاجم را به عقب انداخته و زمان فرصت هرچه بیشتری بدست آورد نه آنکه خود به تهاجمات جدید تحریک نمود.

در ادامه مقاله آمده است که تصمیم‌گیری در چنین رابطه‌ای که به ادامه حیات یک کشور بستگی دارد نمیتواند تنها بر عهده دولت قرار گیرد. در دفاع از ارزشها و نوامیس یک کشور و ملت، نیروها و جریانات سیاسی ملی نقش اساسی داشته و بنیاد شکل‌گیری هر سیاست دفاعی و ضد تهاجمی دولت ها را همین خواست و اراده ملت ها تبلور می‌بخشد. دولت‌ها نمیتوانند به اعتبار اختیارات اجرایی که در اختیارشان قرار گرفته اموری را که مربوط به امنیت ملی و حمایت ارضی کشور است مستقل و بی اطلاع و اعتنا به ملت حل و فصل کنند. در همین حال ملت و یا دستجات و گروههای ملی نیز هرگز نباید به اعتبار اعتراض نسبت به مشروعیت یا صلاحیت یک دولت خود را از مسائلی که به مصالح ملی و استقلال و حمایت کشور مربوط میشود کنار کشیده و ادعای بی طرفی نمایند.

در انتهای مقاله به ایده‌های تجزیه و جدایی طلبی، خود مختاری یا انفکاک بخش‌هایی از ایران حمله شده و بر توجه و گرایش و روحیه حاکم بر عامه مردم ایران در مقابله با چنین حوادثی تاکید گردیده و نتیجه‌گیری شده است که در مساله حفظ تمامیت ارضی متجاوزین و جدایی طلبان فقط با دولت ایران طرف نیستند و این مجموعه و کل ملت است که در برابر چنین دست اندازیمایی بیخاسته و سرسختانه مقاومت خواهد کرد.

چهار سال میگذرد...

ادامه از صفحه ۵

آزادی عقیده و حاکمیت ملی کشورهاست. از این گذشته، مسئله "آیات شیطانی" تنها مشهورترین مورد از موارد بسیاری از نویسندگان و روشنفکران، تجدید طلبان و مخالفانی است که در سراسر جهان اسلام پیگرد، بازداشت، سانسور و نابود می‌شوند. هنرمندان و روشنفکران ایران، این را می‌دانند، و از این رو است که در بیانیه‌های خود پیوسته با شجاعت از من اعلام حمایت کرده‌اند.

صدای هرچه بیشتر براه اندازیم... نسخه جیبی "آیات شیطانی" در بهار ۱۹۹۲ انتشار یافت، البته نه توسط انتشارات پنگوئن "زیرا این نگاه از این کار سرباز زد، بلکه از سوی یک گروه انتشاراتی. من توانستم در روز اول عرضه کتاب به بازار در واشنگتن باشم... در اصل به واشنگتن رفته بودم که در برابر هر دو مجلس کنگره سخنرانی کنم. اما شب قبل از این نطق شنیدم که جیمز بیکر وزیر خارجه شخصاً به روسای دو مجلس تلفن کرده و به آنها گفته است مخالف چنین نطقی است. دولت بوش به اظهار نظرهای تحقیر آمیزی در مورد حضور من دست زد. مارلین فیتز واتر سخنگوی کاخ سفید خودداری دولت از ملاقات با من را چنین توضیح داد: "او فقط یک نویسنده است که آمده است تا کتاب خود را معرفی کند..."

می‌دانم - و هر جا که می‌روم این را می‌گویم - که در این مبارزه فقط من مطرح نیستم. من حتی مهمترین موضوع این مبارزه نیز نیستم. سخن بر سر

عزیز نسین در "لیست مرگ"؟

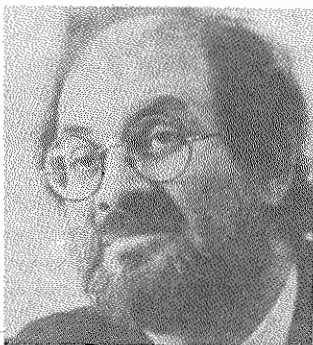
عزیز نسین طنز نویس نامدار ترک که کتابهایش در ایران از محبوبیت و پذیرفتگی قابل اعتنایی برخوردارند نیز در لیست مرگ جمهوری اسلامی قرار گرفت.

"جرم" عزیز نسین پیگیری و تلاش وی در انتشار کتاب "آیات شیطانی" به زبان ترکی است. نسین سه سال پیش در کنگره اتحادیه نویسندگان ترک نشر کتاب سلمان رشدی به زبان ترکی را پیشنهاد نمود که مورد استقبال قرار گرفت، اما در همل به فراموشی سپرده شد. از این رو وی اینک در صدد برآمده که خود به تنهایی "آیات شیطانی" را ترجمه و منتشر کند. نسین در توضیح این اقدام میگوید: گروههای بنیادگرا و ارتجاعی در حال نیرو گرفتن هستند. در چنین وضعی ما باید نشان دهیم که هیچ ترسی از آنها نداریم.

اقدام عزیز نسین بلافاصله با واکنش خشمگینانه و تهدید آمیز جمهوری اسلامی مواجه گشت. روزنامه جمهوری اسلامی نسین را نویسنده‌ای "مستحق" و "هنرمندی صمیمی نیست" لقب داد و نوشت: "سلمان رشدی به مرگ محکوم شد زیرا به پیامبر و اسلام اهانت نمود عزیز نسین که از این اهانت جانبداری میکند نیز مستحق مرگ است". علاوه بر تبلیغات روزنامه‌های رژیم علیه طنز نویس ترک، انتشار کتابهای وی در

چهار سال میگذرد، و من هنوز زنده‌ام

نوشته سلمان رشدی



اول، یک تروریست هرب در هتلی در پدینگتون بر اثر انفجار بمب کشته شد. بعدها یک روزنامه‌نگار که از اردوگانه‌های حزب الله در دره بقاع لبنان دیدار کرده بود به من گفت عکس این فرد را بر دیوار یک دفتر در کنار تصاویر سایر "شهادت" دیده است که زیرش نوشته‌اند در راه اجرای حکم قتل من کشته شده است.

هنگام جنگ خلیج شنیدم دولت ایران بولی به یک مأموریت قتل من اختصاص داده است. پس از ماهها مراقبت شدید، به من گفتند که قاتل "خنثی" شده‌اند... در سال ۱۹۹۲ سه ایرانی از بریتانیا اخراج شدند. دوترا از آنها در سفارت ایران در لندن کار می‌کردند و نفر سوم "دانشجو" بود. وزارت خارجه به من گفت که این سه نفر، مأمور بودند و اقامتشان در بریتانیا بدون تردید به اجرای فتوا بر موطوبود مترجم ایتالیایی "آیات شیطانی" را نزدیک بود بکشند و مترجم ژاپنی را کشتند. در سال ۱۹۹۲، پلیس ژاپن نتیجه تحقیقات دوازده ماهه خود را اعلام کرد. به نظر آنها، قاتلان تروریست‌های حرفه‌ای بودند که از خاورمیانه و از طریق چین به ژاپن آمده بودند. در این فاصله، یک جوخه مرگ ایرانی، بختیار نخست‌وزیر سابق را در پاریس به قتل رساند. آنها سر او را از تن جدا کردند. یک گروه دیگر، یک خواننده مخالف ایرانی را در آلمان کشت. او را تکه تکه کردند و قطعات جسدش را به درون یک کیسه ریختند.

خطر، فقط ظرفی نیست... آدم احساس می‌کند که چگونه موج تحقیر نثار می‌شود. یک زندگی اینچینی، به همه از جمله به همسر خود من - اجازه می‌دهد در صفحه اول نشریات به من تممت جبن بزنند. حتماً آنجا وقتی مرا با خاک می‌سپارند جز تمجید از من سخنی بر زبان نخواهند راند. اما زندگی کردن، از سو قصد جان در یک فرصت، با خود داگلاس هرد دیدار کردم. این دیدارها با این شرط انجام شد که کاملاً مخفی بماند تا "مبادا بلایی سر گروگانها بیاید".

البته من بیاد ندارم که تهران یا گروگان‌گیرها در لبنان میان قضیه من و گروگانها پیوندی برقرار کرده باشند. اما شاید اشتباه کنم. من اکنون این جزئیات را فاش می‌کنم زیرا دیگر خطری وجود ندارد. تاروژی که تری ویت آزاد نشده بود، من به نوهی گروگان گروگانها بودم. پذیرفته بودم. وقتی آنها آزاد شدند، نوبت من هم برسد و دولت بریتانیا و جامعه ملل برای پایان دادن به این بحران بکوشند... نامه‌هایی به دستم می‌رسید و هنوز می‌رسد که در آن نوشته‌اند: تسلیم شو، سمت را هوض کن. بگذار حملت کنند، زندگی جدیدی شروع کن. هرگز به این امکان نیاندیشیده‌ام این راه حل بدتر از مرگ خواهد بود. من زندگی آدم دیگری را نمی‌خواهم، زندگی خودم را می‌خواهم... آنها شوخی ندارند. در ماههای

بودند. دیگر نمی‌توانستم بخوابم و منتظر صدای ملک الموت بودم... بعد از ظهر روز بعد، وقتی از تلویزیون صدای نفرت و خونخواهی بلند بود، دایره ویژه آمادگی خود را برای حفاظت از من به اطلاع من رساند. مأمورانی که دیدم، به من گفتند که باید چند روزی ناپدید شوم تا سیاستمداران، مسئله را حل کنند. یادتان می‌آید؟ چهار سال پیش همه فکر می‌کردیم بحران ظرف چند روز حل شدنی است. قابل تصور نبود که در پایان قرن بیستم، کسی فخطبه خاطر نوشتن یک کتاب به مرگ تهدید شود و رئیس یک مذهبی-فاشیستی، شهروندان از یک کشور آزاد را که اینقدر با کشور او فاصله دارد، تهدید کند. همه فکر می‌کردیم که وضع دیری نخواهد پایید.

همه پلیس، شما و من. راه افتادیم، اما نه به سمت یک خانه امن تحت مراقبت، بلکه به یک هتل خارج از شهر... فکر می‌کردیم ظرف چند روز، همه چیز روبراه خواهد شد. پس از چهار سال، این داستان هنوز ادامه دارد، و آنطور که می‌گویند - خطری که متوجه زندگی من است به هیچ وجه کاهش نیافته است. می‌گویند دایره ویژه در میان افرادی که حفاظت می‌کند هیچ کس را ندارد که جانش به اندازه من در خطر باشد. پیروزی و شکست، پیروزی، زیرا هلیرفم گفته یک مدعی دوستی با من که دیگر مرده میدانند، زنده‌ام. شکست، زیرا کماکان در این زندان بسر می‌برم... این زندان پیوسته همراه من است. دیوار و سقف و دستبند ندارد، اما در این چهار سال راه

چهار سال شد، و من هنوز هستم. مضحک این است که این امر هم یک پیروزی و هم یک شکست به نظر می‌آید. چرا پیروزی؟ زیرا وقتی در روز ۱۴ نوریه ۱۹۸۹ خبر را از تهران شنیدم، فوراً بخودم گفتم: مرگ من حتمی است. شعر یکی از دوستانم، ریونود کارور شاعر امریکایی، بیادم آمد. پزشکش به او گفته بود که سرطان ریه دارد: "گفت اگر ترا ایمانی است به زانو درآ - یاری بخواه - گفتم که تا امروز مرا ایمانی نبود - اما از امروز هست".

اما من مؤمن نیستم و زانو نزنم. با تلویزیون مصاحبه کردم و از جمله گفتم که دلم می‌خواست کتاب انتقادآمیزتری نوشته بودم. چرا چنین گفتم؟ زیرا اگر رئیس یک دولت تروریست بگوید که می‌خواهد فردی را بنام خدا بکشد، آن فرد یا باید سستی نشان دهد یا مباحات کند. من نمی‌خواستم سستی نشان دهم. هلت دیگر، این بود که وقتی بنام خدا دستور قتل صادر می‌شود، هرکس در نظر مساعدهش نسبت بنام خدا بازمی‌کند.

سپس به خود گفتم: اگر خدایی باشد، قاعدتاً نباید به "آیات شیطانی" وقعی بگذارد. این چه خدایی است که قدرتش با یک کتاب به لرزه می‌افتد؟ و اگر هم خدایی نباشد، نگرانی او از "آیات شیطانی" بی معنی است. پس دهوانه میان من و خدا، بلکه میان من و کسانی است که به گفته باب دلی معتقدند مجاز به هر گستاخی‌اند، فقط به این خاطر که خدا با آنهاست.

پلیس نزد من آمد. گفتند تکان نخور. همین جا بمان، تدابیر لازم اتخاذ شده است. مأموران در شیفتهای کوتاه جای خود را به هم می‌دادند و آن شب مراقبم

روابطش با قرب بیشتر از آنکه بر سر مسائل نقض حقوق بشر در داخل کشور دچار مشکل باشد، به خاطر فتوای قتل رشدی زیر فشار است. هیچکدام از رهبران جمهوری اسلامی از ترس آنکه مبادا از سوی شرکای خود به ناوفاداری و خیانت به خمینی متهم شود، چرئت زیر سؤال بردن فتوا را ندارند و تاکید بر اعتبار فتوا به یکی از نشانه‌های وفاداری به خمینی و نظام تبدیل شده است. بنیادپانزده خرداد که سرمدمدار کارزار تبلیغاتی بر ضد سلمان رشدی است چندی پیش جایزه قتل وی را به دو میلیون دلار افزایش داد و هم اینک در تدارک سمیناری از "نویسندگان" در جهت محکومیت سلمان رشدی و آثار اوست.

رشدی در ابتدا در راستای رعایت توصیه دولت لندن مبنی بر به خطر نیانداختن جان گروگان‌های انگلیسی در لبنان از حمله مستقیم به جمهوری اسلامی می‌پرهیزید. وی یکبار هم کوشید که در حضور چندتن از رهبران مسلمان انگلستان بر سران جمهوری اسلامی را به تجدید نظر در فتوای خمینی متقاعد کند. اما این شیوه کارگر نیفتاد و رشدی در این تلاش خود ناکام ماند.

از ع ماه پیش با آزاد شدن همه نویسندگان در ایتالیای شمالی، به عنوان نمادی از آزادی بیان، به من گفتند که قاتل "خنثی" شده‌اند... در سال ۱۹۹۲ سه ایرانی از بریتانیا اخراج شدند. دوترا از آنها در سفارت ایران در لندن کار می‌کردند و نفر سوم "دانشجو" بود. وزارت خارجه به من گفت که این سه نفر، مأمور بودند و اقامتشان در بریتانیا بدون تردید به اجرای فتوا بر موطوبود مترجم ایتالیایی "آیات شیطانی" را نزدیک بود بکشند و مترجم ژاپنی را کشتند. در سال ۱۹۹۲، پلیس ژاپن نتیجه تحقیقات دوازده ماهه خود را اعلام کرد. به نظر آنها، قاتلان تروریست‌های حرفه‌ای بودند که از خاورمیانه و از طریق چین به ژاپن آمده بودند. در این فاصله، یک جوخه مرگ ایرانی، بختیار نخست‌وزیر سابق را در پاریس به قتل رساند. آنها سر او را از تن جدا کردند. یک گروه دیگر، یک خواننده مخالف ایرانی را در آلمان کشت. او را تکه تکه کردند و قطعات جسدش را به درون یک کیسه ریختند.

"رودکی"

چهارمین شماره فرهنگنامه رودکی به سردبیری دکتر محمود خوشنما انتشار یافت. دگرگونی زبان فارسی در برخورد با تمدن مدرن از داریوش آشوری، همیشه در فکر خدمت به موسیقی و صبا فانوسی فراراه نو آوری از پرویز منصوری، دنیای افسونکار شور انگیز از رضا مقصدی، از نسل

نویسندگی در اتاقی با پرده‌های کشیده

گروگان‌های قربی سلمان رشدی کارزار تبلیغاتی فشرده‌ای را علیه جمهوری اسلامی آغاز نموده و با سفر نهانی به پایتخت کشورهای اروپایی می‌کوشد سیاستمداران و احزاب عمده این کشورها را به تحریم و بایکوت اقتصادی و فرهنگی تهران و از این رهگذر لغو فتوای خمینی تشویق کند. در همین راستا رهبران کشورهای عضو جامعه مشترک اروپا در اجلاس ماه دسامبر خود در ادینبورگ انگلستان تصمیم گرفتند که در جهت لغو فتوا بکوشند.

هم اینک پاره‌ای از کشورهای غربی برای زیر فشار گذاشتن جمهوری اسلامی اقداماتی را آغاز کرده‌اند. کانادا اعلیای یک اعتبار مالی را به حال تعلیق درآورده، آلمان قرارداد فرهنگی خود با ایران را فسخ کرده، نروژ یک قرارداد خرید نفت از تهران را پس گرفته و دو کشور اسکانندیناوی می‌خواهند علیه فتوای خمینی به دادگاه عالی لاهه شکایت برند.

روابطش با قرب بیشتر از آنکه بر سر مسائل نقض حقوق بشر در داخل کشور دچار مشکل باشد، به خاطر فتوای قتل رشدی زیر فشار است. هیچکدام از رهبران جمهوری اسلامی از ترس آنکه مبادا از سوی شرکای خود به ناوفاداری و خیانت به خمینی متهم شود، چرئت زیر سؤال بردن فتوا را ندارند و تاکید بر اعتبار فتوا به یکی از نشانه‌های وفاداری به خمینی و نظام تبدیل شده است. بنیادپانزده خرداد که سرمدمدار کارزار تبلیغاتی بر ضد سلمان رشدی است چندی پیش جایزه قتل وی را به دو میلیون دلار افزایش داد و هم اینک در تدارک سمیناری از "نویسندگان" در جهت محکومیت سلمان رشدی و آثار اوست.

رشدی در ابتدا در راستای رعایت توصیه دولت لندن مبنی بر به خطر نیانداختن جان گروگان‌های انگلیسی در لبنان از حمله مستقیم به جمهوری اسلامی می‌پرهیزید. وی یکبار هم کوشید که در حضور چندتن از رهبران مسلمان انگلستان بر سران جمهوری اسلامی را به تجدید نظر در فتوای خمینی متقاعد کند. اما این شیوه کارگر نیفتاد و رشدی در این تلاش خود ناکام ماند.

سلمان رشدی به رژیم ایران انتقاد شده، خود داری کند، دولت ایرلند هم حضور اخیر سلمان رشدی را در خاک خود از ترس تیره شدن روابط تهران چندان جدی نگرفت.

در این میان گرچه رشدی تاکنون از خطر مرگ در امان مانده است، لیکن پاره‌ای از افراد در اروپا با وی مورد تهمز و فضاخ رژیوم و هاملین آن واقع شده‌اند که میتوان به عنوان نمونه از قتل مترجم ژاپنی و تهاجم با کارد به مترجم ایتالیایی آیات شیطانی و نیز ممنوعیت چاپ کتابهای اسماعیل خویی و نادر نادرپور در ایران به خاطر حمایت از سلمان رشدی یاد کرد.

رشدی در سخنرانی اخیر خود در ایرلند گفت که هنوز به زندگی مخفیانه در زیر چتر حمایت پلیس هادت نکرده است. او می‌گوید: "هادت کردن به این زندگی توهمی شکست است. برای من با ۴۵ سال سن، زندگی در اتاقی با پرده‌های کشیده، مراسم انبیساست! رشدی برای آنکه زندگی مخفی را کسی برای خود آسانتر سازد، به نوشتن مقاله و کتاب می‌پردازد. وی هم اکنون در حال نوشتن رمانی است که به نوهی به اندیشه‌ها و تجارب زندگی مخفیانه‌اش و نیز به انصاف و نرمش مذهبی و فرهنگی انسانها در قبال یکدیگر مربوط می‌شود.

سلمان رشدی پیش از آنکه کتاب "آیات شیطانی" را منتشر سازد، در ایران با کتابهایی همچون "شرم" و "بچه‌های نیمه شب" نام و آوازه داشت و هیرایی مترجم کتاب "شرم" در سال ۷۶ به خاطر ترجمه خوب از یک اثر برجسته از سوی رئیس جمهور وقت یعنی خامنه‌ای به دریافت جایزه بهترین مترجم سال نائل آمد اما با انتشار کتاب "آیات شیطانی" و برق برگشت و سلمان رشدی آماج خشم و غضب سردمداران جمهوری اسلامی قرار گرفت. بدنبال تظاهرات جمعی از مسلمانان هند و پاکستان علیه کتاب "آیات شیطانی" خمینی که داعیه رهبری جهان اسلام را داشت، برای اینکه این دعوی را قوت بیشتری بخشد، بی‌آنکه کتاب را دیده و یا خوانده باشد آن را توهین به مقدسات اسلام دانسته و ریختن خون نویسنده آن را واجب شرعی اعلام نمود. فوریه امسال (۲۵ بهمن) ۴مین سالگرد صدور فتوای خمینی بود. در طول این چهار سال رشدی پیوسته در خفا بسر برده و تنها این اواخر با سفرهای نهانی به کشورهای اروپایی برای زیر فشار گذاشتن رژیم در جهت لغو فتوای خمینی آغاز نموده است. راست این است که جمهوری اسلامی در چهارچوب

۸ مارس را گرامی بداریم

۸ مارس، روز جهانی زن، روز اعلام انزجار از ستمی است جانگناه که بر زنان روا می‌رود. ۸ مارس، روزی است که جامعه مردسالار با برگزاری آن به خود هشدار می‌دهد که بر نیمی از پیگره‌اش چه می‌گذرد. ۸ مارس، روز هزم و اراده برای پیمودن راهی است طولانی، که بشریت مترقی ناگزیر از طی آن برای رسیدن به آزادی واقعی خویش است. ۸ مارس، مظهر باور زنان و مردان آزاده به این اصل است که برابری حقوق زن و مرد، رکن اساسی دموکراسی است.

۸ مارس، در همه جا پرچمی است علیه همه نظام‌های مردسالار، و در میهن ما مشخصاً و قبل از همه پرچم مبارزه علیه رژیم زن ستیز، که همه

توانایی‌های خود را بکار گرفته تا زنان "ازلی" بودن فرودستی خود را گردن نهند. رژیم‌های ستم‌آمیز استعدادهای خود را صرف سازماندهی تحقیر زنان بدست خودشان کرده است. رژیم‌های ۸ مارس را با همان دیده حقارت مینگرد که خود زنان را.

اهمیت بزرگداشت ۸ مارس در میهن ما، امروزه قبل از همه ناظر بر این حقایق تلخ است. ۸ مارس را گرامی بداریم و در هر کجا که هستیم به گرمی برگزارش کنیم.

ما، این روز جهانی را به همه زنان میهنمان تبریک می‌گوئیم و برای آنان در مبارزه دشوارشان موفقیت آرزو می‌کنیم.



زن و رژیم اسلامی

"در هر اجتماعی، میزان آزادی همگانی بستگی به میزان آزادی زن دارد."

فردریک انگلس

اگر به قول انگلس محک سنجش آزادی همگانی در جامعه، میزان آزادی زن باشد، بی شک حکومت اسلامی در ردیف سیاه‌ترین و دیکتاتورترین حکومت‌ها قرار دارد. چرا که کارنامه این حکومت پر مورد زن شدت سیاه و تیره است و نقطه روشنی را نمیتوان در آن مشاهده نمود. شاید بتوان گفت که در حکومت آخوندها، زنان ستم‌کش‌ترین نیروی اجتماع بحساب می‌آیند. تحمیلات و تضعیقات رژیم اسلامی در مورد زنان قابل قیاس با دیگر اقشار جامعه نیست. آنان از ابتدایی‌ترین حقوق یک انسان محرومند.

توسعه کشور گذاشته است. جمهوری اسلامی ظالمانه‌ترین قوانین را در حق زنان در عصر کنونی تصویب و به اجرا گذاشته است. بر طبق این قوانین زانی که موی سرشان دیده می‌شود و یا رنگ و فرم لباسشان با معیارهای حکومت هم خوان نیست با ۷۴ ضربه شلاق مجازات می‌شوند. تاکنون دهها هزار زن بر طبق این قانون شلاق خورده‌اند. نمونه دیگر این سفاکی‌ها، سنگسار کردن زنان است که این مجازات تنها در حق زنان اعمال می‌شود. آنان را بطور وحشیانه زنده زنده و تا گردن در چاه‌های دفن می‌کنند و سپس با سنگسار آنان راه هتل‌های رانند. تاکنون در موارد متعددی عده‌ای از زنان کشور را بدین شکل نجیب بقتل رسانده‌اند.

در رابطه با خانواده نیز، زن از کمترین حقوق برخوردار است. جمهوری اسلامی رسماً به مردها اجازه داشتن ۴ همسر رسمی و تعداد نامحدودی همسر موقت را داده است. بر طبق قوانین حکومت اسلامی، مردها مختارند همسران موقت را هر زمان که بخواهند از خانه بیرون کنند. بی‌آنکه این قبیل همسران هیچگونه حقی حتی بر فرزندان داشته باشند. این قوانین حق حضانت فرزندان را از مادران سلب کرده و اجازه داده است که دختر بچه‌های نه ساله به همسری موقت و یا دائم مردان درآیند. از نظر آخوندها زن کنیز مطبخی، وسیله همیش و هسرت و ابزار تولید مثل است.

این قوانین در خانواده مشکلات بیشماری آفریده است. ثبات خانواده‌ها تضعیف شده و بر میزان اختلافات و درگیری‌ها افزوده شده است. انبوه پرونده‌های موجود در دادگاه‌های مدنی خاص، نشانگر تلاطمات در خانواده‌ها است. حکومت اسلامی حتی امکان انتخاب نوع لباس را از زنان گرفته است و نوع خاصی از پوشش را بر زنان تحمیل کرده است. حکومت‌گران در این زمینه فشارهای مظلیمی را بر زنان اعمال

خانه‌ای هست

خیلی دور
خیلی دور
جایی که آب را
در گودی کف دست می‌نوشند
و نان به بوی زندگی آفشته است
جایی که
دریاچه از ماه پر است
و جنگل از زهر سبز
جایی که زن،
لکه سرخی است بر دیوار اشتیاق
و مرد،
بر اسبی دیوانه،
بسوی فریزه و قدرت می‌تازد
خیلی دور
خیلی دور
جایی که من به دنیا آمدم
عاشق شدم
مادر ماندم
و چند لحظه پیش نزیستم.
جایی که هیچ رویایی
در پرده نمی‌ماند
خانه‌ای بر پاهای کهن خویش ایستاده
و نمی‌خواهد که
فروریزد.

ژیلما ساعد
بر گرفته از کتاب "شاهان مهاجر، مهاجران شاعر" گردآوری
م. آ. هسگری

بدون شرح!

"به اینها بگوئید که اینقدر حقوق حقه زن را به رخ ما نکنند. آیا شنیده شده که یک نفر زن در یکی از فزوات اسلامی شرکت کرده باشد؟ آیا برای شهرهایی که حاکم میفرستادند، یک نفر زن فرستاده‌اند؟ یک نفر زن را سرلشگر کرده‌اند؟ در حدود ۲۴۰۰۰۰ قنات در یزد وجود دارد، کلنگ کدامیک از این قنات‌ها رازن زده است؟ شنیده‌ام میگویند زن میتواند رئیس جمهور بشود، نخست وزیر هم بشود. یعنی چون میتواند نجاست بچه را پاک کند و از کثافت برکظارش کند، پس میتواند رئیس جمهور هم بشود؟ آمدیم یکی از این زنهای شایسته و کامله را به مقام رئیس جمهوری یا نخست وزیری منصوب کردیم. یکروز صبح میرویم و می‌بینیم که ریاست جمهوری تعطیل است. نخست وزیری تعطیل است. چرا؟ برای اینکه دیشب خانم زایمان فرموده‌اند؟ این؟ برای ملت مسلمان تنگ و هار نیست؟ از سخنرانی آیت الله صدوقی - امام جمعه سابق یزد در مجلس خبرگان تدوین کننده قانون اساسی

جامعه پدر سالار علیه عشق!

جهان در آن هستی‌اش را به اسارت در آورده است. مرد نیز انتخاب آزاد ندارد. دایره امکانات او نیز محدود است. او در پسر بچگی وجود زن را در مادر یا خواهر خود کشف می‌کند. و از همین زمان عشق ممنوعه می‌شود. امیال جنسی ما از تحریکات هولناک زنا معذب است. زندگی مدرن از طرفی با افزایش تحریک نفسانیات در ما، ما را به وسوسه می‌اندازد و از سوئی دیگر ارضا این نیازها را بوسیله انواع و اقسام ممنوعیتها مسدود می‌سازد: ممنوعیت طبقاتی، اخلاقی، بهداشتی. نیشتر شهوت، مثل سرکوب آن احساس گناه می‌آفریند. همه چیز حیطة انتخاب ما را تنگ می‌سازد. ما مجبور هستیم میل شدید خود را قربانی تصویر زنی کنیم که محیط اجتماع به ما تحمیل کرده است. عشق ورزی به انسانهای نژاد، زبان، طبقات دیگر دشوار است. البته اتفاق می‌افتد که سفیدها سیاهان و سیاهان زردها را ترجیح بدهند و "ارباب" به "کنیز" خود یا بالعکس - دل بندد. اما چنین موقعیتی گونه ما را سرخ می‌سازد، شرمسار می‌سازد، ما آنجا که حق انتخاب همسر خود را از محافل انتخاب می‌کنیم، "که خود را برای ما بزرگ می‌کنند" ما هیچ کدامان هیچگاه احترام نمی‌کنیم - حتی تا آخر عمر - با زنی وصلت کرده‌ایم، که اصلاً دوستش نداشته‌ایم و او - حتی اگر ما را دوست داشته باشد - ناتوان است، از خودش بیرون بیاید و واقعیتش را همانگونه که هست نشان دهد. پروتست به سوان گفت: "و این سگالش، که من بهترین سالمای همرم را با زنی تلف کردم، که به من نمی‌خورد...". اکثر مردان امروزی شاید در ساعت مرگشان این جمله را تکرار می‌کنند. زنان نیز همینطور.

جامعه عشق را - در تضاد کامل با احساس عشق - بمثابه رابطه مستحکمی به هدف تولید وارثین می‌داند. عشق را با ازدواج یکی می‌داند و هر گونه عدول از این اصل را به مجازات می‌رساند.

نیافتنی، او را مقهور تغییراتی می‌کند، که میلش، بیعودگیش، ترسش، هشتش به او دیکته می‌کنند. بدین ترتیب زن به وسیله تبدیل می‌شود. زن - به گفته سیمون دوبووار - بمثابه وسیله شناخت و لذت، بمنزله راه بقا، بت است، الهه است، مادر، ساحره، الهه هنر است، ولی هیچوقت خودش نیست. بهمین خاطر نیز روابط جنسی ما از بدو آغازش معفن و آلوده‌اند. میان مرد و زن تصویر شبی شناور است: تصویر دروغینی که مرد از زن برای خود تصویر می‌کند و تصویری که زن با آن می‌زیید. تصویری که برای ما مانند یک تکه گوشت بی احساس تحریک برانگیز نیست. میان ما و او توهم پیگیره مطیع و نرم ایثارگری اسیر است.

و همین برزن روا می‌شود زن خود را تنها بمثابه یک محمول احساس می‌کند، بعنوان "دیگری" می‌فهمد. زن هیچگاه صاحب اختیار خود نبوده است. وجود او منقسم است، به آنچه که او واقعا هست و تصویری که او خود از خودش خلق می‌کند: تصویری که نشان خانواده، طبقه، مدرسه، آئین، دوستان و معشوقان دارد. زن بودن او هیچگاه بیان نمی‌شود، زیرا او در اشکالی تجلی می‌یابد، که اختراع مردها است. و عشق "حمل طبیعت" نیست، بلکه امری انسانی و به تعریفی انسانی‌ترین عمل آفرینش که دستپورده انسان است و در طبیعت روی نمی‌دهد. چیزی که ما هر روز نو می‌آفرینیم و دوباره نابود می‌سازیم.

"زن زندانی تصویری است که جامعه پدرسالارانه به او تحمیل کرده است. بهمین خاطر نیز انتخاب آزاد برای او گسستن از این تصویر و خوداست. هاشقان به نحو می‌گویند: "عشق زن را تغییر داده است"، فرد "دیگری" از او ساخته است، آنها راست می‌گویند. عشق زن را دگرگون می‌سازد، متحول می‌سازد، زیرا او جسارت عشق، انتخاب و خود بودن را دارد و تصویری را نابود می‌سازد که

آنچه در زیر می‌آید گزیده‌ای از مقاله دیالکتیک تنهایی نوشته نامدار مکزیکی اکتاویو پاز است که آقای امیر بهادری ترجمه کرده‌اند.

"عشق تجربه‌ای است، که در جهان ما دشوار بدست می‌آید. همه چیز در مقابل او صف آرایی کرده‌اند: اخلاق، طبقات، قوانین، نژادها و حتی خود عاشقان. زن برای مرد همیشه "دیگری" است. ضد و مکمل او همزمان. در حالیکه بخشی از وجود ما در آتش اشتیاق ذوب شدن در او می‌گذرد، بخش دیگرمان با همان گداختگی، زن را از مرد دور نگه می‌دارد. زن را در دنیای مرد راه نمی‌دهد. زن محمول است، که الماسین گاه مشمئز، همیشه اما "دیگری". مرد با تبدیل زن به ابژکت، به موجودی دست



تبعیض علیه زن، یک معضل تاریخی است

والدین خود مورد سوءاستفاده جنسی واقع می‌شوند، به مراتب بیش از پسر بچه‌گانی است که قربانی این جنایات آشکار و پنهان هستند. هر روز زنان بسیاری در سرتاسر جهان در معابر و اماکن عمومی و حتی در محل کار و تحصیل خود بار حمل متلک و ایذا و آزار جنسی را بدوش می‌کشند. برخورد با زنان و مردان در زمینه نیازها و زندگی جنسی آنان کاملا متفاوت است. آنچه در بسیاری از فرهنگ‌ها برای یک مرد ارزش محسوب می‌شود، برای یک زن ضار و زیان‌آور است.

این تنها بخشی از تبعیضات جاری در مورد زنان است. هنوز در جهان کشوری نمی‌تواند مغتخر به این باشد که مردانش همسران یا شریکان زندگی خود را هدف حملات هیستریک خود نمی‌سازند و آنان را مضروب و مجروح نمی‌کنند. در بسیاری از کشورهای جهان زنان در برابر کار یکسان، مزایائی گاه بشدت نایکسان دریافت می‌کنند. در برخی از کشورهای جهان زنان کماکان از حق رای و در نتیجه ایفای نقش در زندگی اجتماعی محرومند. در برخی از کشورها مانند کشور ما زنان دارای هیچ‌گونه حقی در مورد فرزندان خویش نیستند.

اگر چه زنان نقشی بسیار مهم در ترقی شغلی و در نتیجه اجتماعی همسران و فرزندان خود دارند، هم‌اکنون این فعالیت آنان که هم‌رغم تمامی محدودیت‌های اعمال شده در موردشان صورت می‌گیرد و نقش تعیین کننده‌ای نیز دارد، ارزش خود را نمی‌یابد.

ناگفته پیداست که گرچه این جنایات و جرایم در تمامی کشورهای جهان بوقوع می‌پیوندند، ولی سطح این تبعیض در کشورهای مختلف بسیار متفاوت است. نمی‌شود انکار کرد که زنان کشورهای پیشرفته صنعتی از حقوقی به مراتب بیش از زنان کشورهای جهان سوم برخوردارند.

زنان که به دلیل خصوصیات بیولوژیک خود، فاقد قدرت بدنی مردانند، روزانه در مقیاس سراسر جهان محمول عواید ناگوار سوءاستفاده مردان از این تمایز طبیعی خود هستند. روزانه صدها زن در سراسر جهان مورد تجاوز جنسی قرار می‌گیرند. عاملین این تجاوزها همواره بیگانگان زورمدار نیستند. زنان بسیاری در سراسر جهان از سوی همسران خود مورد تجاوز جنسی قرار می‌گیرند. میزان دختر بچه‌گانی نیز که ربوده شده و مورد تجاوز جنسی قرار می‌گیرند و یا در خانه خود و از سوی بستگان و حتی

تیرا، رادیویی از زنان و برای زنان

کمتری با رادیو تماس می‌گیرند، اما آنها نیز تردیدها، پرسش‌ها و نگرانی‌های همگونی در مورد مناسبات و روابط مردان و زنان دارند.

به گفته کارگزاران رادیو تیرا کم‌ترین تعداد مردانی که پس از ضرب و شتم همسران خود از روی شرم و پشیمانی با رادیو تماس گرفته و شیوه‌های تغییر رفتار خود را جویا می‌شوند.

فرستنده زنان برای گروه‌های مختلف سنی، از دوشیزگان تا بازنشستگان برنامه‌های ویژه‌ای دارد. دختران ۸ تا ۱۲ ساله به صورت گروهی به رادیو می‌آیند تا از دستگاه‌ها و شیوه کار رادیو بازدید کرده و حتی برنامه ویژه خود را تهیه کنند. دوشیزگان جوان هم‌اکنون در رادیو جلساتی برگزار می‌کنند که در آنها درباره مسائلی همچون رابطه جنسی، مواد مخدر، ایدز و... که در تلویزیون به خاطر نشر کلیسیا کاتولیک، هیچ اشاره‌ای به آنها نمی‌شود، بحث صورت می‌گیرد.

تکنه شکست انگیز برای گردانندگان رادیو تیرا شرکت گسترده زنان در بحث‌هاست. این زنان، همانهایی هستند که در دوران پینوشه با محدودیت و موانع اجتماعی بسیاری روبرو بودند. جالب آنکه زنان نسبتاً پیرتر به گونه‌ای پر شمار در برنامه "سخن‌یادها" شرکت می‌کنند و بحث‌های زنده و پرشوری را درباره گذشته شیلی دامن می‌زنند.

گردانندگان رادیو زنان تماس و ارتباط با زنان کارگر را یکی از وظایف عمده خود میدانند. رادیو در مناطق فقیر و کلانتر نشین دارای ۲۵ همکار است که به طور هفتگی از این مناطق گزارش تهیه می‌کنند. این گزارش‌ها که با عنوان "لاترنا" (گیسو) از رادیو پخش می‌شود، عمدتاً به تاریخچه و مسائل روز هر ناحیه پرداخته و معضلات و خواسته‌های زنان آنجا را بازتاب می‌دهد.

الیانا اورتگا در پاسخ به پرسشی درباره موفق‌ترین برنامه رادیو می‌گوید: "پرفروش‌ترین برنامه و محبوب‌ترین برنامه ما "زن روز" است که در آن هر روز ما زنی را که در آن روز متولد شده و در زمینه کاری و هنری به جایگاه ویژه‌ای رسیده باشید، معرفی می‌کنیم. زندگی‌نامه و معرفی کوتاه کار و فعالیت وی از اجزای برنامه است." اورتگا در مورد دشوارترین هرصه کار رادیو می‌گوید: "مادریافتن رگ شادابی و شوخ‌مزاجی زنان با دشواری‌های بزرگی روبرو هستیم. ظاهراً برای سرزندگی و شوخ طبعی انسان باید اعتماد به نفس زیادی داشته باشد. در آمریکای لاتین تنها زنان آرژانتینی هستند که حدوداً به چنین اعتماد به نفسی دست یافته‌اند. از همین رو ما هفته‌ای یکبار برنامه زنان یک فرستنده آرژانتینی را از رادیو پخش می‌کنیم."

اورتگا ضمن بلندمدت دانستن دشواری‌ها و وظایف رادیو چنین ادامه می‌دهد: "این کشور ۲۵ سال تحت حاکمیت دیکتاتوری قرار داشت و ارتباطش با جهان گسسته بود. وظیفه اصلی اینک پایان دادن به این انزوا و احیای تماس و پیوندهاست."

برگرفته از روزنامه آلمانی Taz

"به گذشته که نگاه می‌کنیم، خیلی مسخره و خنده‌آور به نظر می‌رسد. تا یک سال پیش یک نفر زن هم پیدا نمی‌شد که در این کار سر رشته‌ای داشته باشد. اما اینک همکاران رادیو در هر هرصه‌ای دارای آگاهی و تجربه‌اند. ۱۴ روز پس از آغاز کار، یک خانم دانمارکی یک دوره پنج ماهه آموزشی برای ما برگزار کرده علاوه بر آن ما یک نفر خبره در امور تکنیکی را گریز آوردیم که گرچه خودش حاضر به کار نبود، لیکن پذیرفت که همکاران ما را آموزش بدهد. پیش‌ترها پرداختن زنان به چنین کارهایی اصلاً رایج نبود."

برنامه‌های رادیو تیرا هم‌اکنون به امور روزمره زنان اختصاص دارد و از ورزش صبحگاهی تا بحث‌های شامگاهی را شامل می‌شود. بحث‌های سیاسی نیز از جمله این برنامه‌هاست که به گونه‌ای فزاینده انتقاد احزاب راست کشور را برمی‌انگیزد.

نیروهای راست از چندی پیش به وزارت زنان شیلی فشار می‌آورند تا به حمایت خود از "تبلیغات ضد خانواده" (رادیو تیرا) پایان دهد. گفتنی است که این وزارتخانه خودبخود نیز به خاطر آنکه به امور زنان می‌پردازد، با کارشناسی‌ها و فشار نیروهای راست روبرو است.

سنتیز و چالش این نیروها با رادیو تیرا بیشتر از تنوع برنامه‌های سیاسی به گفته‌های شنوندگان باز میگردد که آزادانه حرف و اندیشه خود را از طریق تماس تلفنی با رادیو به گوش دیگران می‌رسانند. انتقادات این شنوندگان بیشتر متوجه هرصه‌هایی است که سیاست و مسائل خصوصی به هم گره می‌خورند. هنگامی که در رادیو تیرا از شیوه‌های پیشگیری از بارداری و یافگانه (سقط جنین) صحبت می‌شود، یا از بیماری‌های ناشی از آمیزش جنسی و شیوه‌های مقابله با آنها سخن میرود و یا بویژه مهم‌ترین موضوع، یعنی خشونت مردان علیه زنان مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد، خشم و ناخشنودی سیاستمداران راستگرا و مردان سنتی از این رادیو به اوج می‌رسد.

در کشوری که "ماچیسمو" (MACHISMO) در اصل به معنای تریگی یا مرد بودن است، اما به طور عمده به مردپرستی در آمریکای لاتین اطلاق می‌شود که انعطاف‌ناپذیری، تحکم و مطلق‌گرایی از جنبه‌های بارز آن است. منش و هادتی دیرینه است، نفرت نسبت به نوآوری‌ها سریعاً به هنجاری هادی بدل می‌شود. رادیو تیرا زنان را به دفاع از خود در هرصه‌های جسمی، حقوقی و سایر هرصه‌ها ترغیب می‌کند. هم‌اکنون در دفتر لامرادا شیوه‌های دفاع از خود آموزش داده می‌شود. این دفتر باراديو تیرا همکاری تنگاتنگی دارد. در حالی که رادیو تیرا با برنامه‌های آزاد خود نیازهای شنوندگان را پاسخ می‌گوید، لامرادا به عملی ساختن این پاسخ‌های رادیویی است که به گفته خود شنونده نیز هست. این رادیو در طول ۱۸ ساعت برنامه روزانه خود نه تنها به حرف زنان، بلکه به گفته‌های مردانی که پیوسته در بحث‌های تلفنی شرکت می‌کنند، نیز گوش می‌سپارد. در واقع نسبت به زنان، مردان

"رادیو تیرا" اولین و یگانه فرستنده رادیویی در شمال و جنوب قاره آمریکاست، که تنها از سوی زنان اداره میشود. موفقیت بزرگ این فرستنده ظاهراً به نیاز گسترده اکثریت خاموش زنان شیلی به سخنگوی ویژه خود برمی‌گردد. رادیو تیرا که مطالبش از زنان و برای زنان است، در مجموع گردانندگانی با دیدگاه‌های رادیکال دارد که لزوماً دیدگاه اکثریت شنوندگانش نیست.

دست‌اندرکاران رادیو تیرا خود را ناپسته و دارای گرایشات فمینیستی می‌دانند. آنها کار خود را اداره فرستنده‌های میدانند که زنان هم در آن سخن می‌گویند و هم به آن گوش میدهند، و بدینسان این رادیو محلی است که همگان از رهگذر آن به بهبود زندگی روزمره یاری می‌رسانند.

گردانندگان خود چنین می‌گویند: "ما فمینیست هستیم، زیرا برابریم باوریم که تمایزات جنسی نباید به معنای نابرابری باشد." و "ما فمینیست هستیم، زیرا برآنیم که برای ایجاد یک جهان بهتر، نیمه‌به حاشیه رانده شده جامعه انسانی باید به میدان درآید و جایگاه شایسته خود را بیابد."

رادیو تیرا برنامه‌های خود را از ساختمان بلندی در "لا دیستا"، یکی از مناطق شهر سانتیاگو (پایتخت شیلی) پخش می‌کند. دفترانجمن زنان موسوم به "لامرادا" نیز در همین منطقه قرار دارد. این انجمن در سال ۱۹۸۳، یعنی ۱۵ سال پس از سقوط حکومت آلنده و روی کار آمدن پینوشه با هدف "شناخت و ارزیابی از زنان" پایه‌گذاری شد که در عمل به پایگاهی برای بحث‌های فمینیستی، ایراد سخنانی و برگزاری کنفرانس‌ها مبدل گردید. بهداشت و تندرستی، آموزش، کارآموزی، محیط‌زیست و نیز انتقاد نهنگی به مردسالاری از جمله محورهای هستند که در لامرادا مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرند. سال ۱۹۸۷ نخستین همایش زنان نویسنده آمریکای لاتین در دفتر لامرادا برگزار شد. در این همایش مقرر گردید که شرکت‌کنندگان کوشمان خود برای پی‌ریزی یک فرستنده رادیویی را گسترش دهند. نخستین کمک مالی از سوی یک سازمان امداد دانمارکی ارائه شد. لامرادا به رغم مخالفت شدید کلیسا و پارهای سازمان‌های هوادار مردسالاری سرانجام توانست از یک طول موج رادیویی برخوردار شود. در همایش ۱۹۸۷ الیانا اورتگا که در تبعیده سر می‌برد نزدیک به ۲۵ سال در دانشگاه ماساچوست آمریکا به تدریس درباره آمریکای لاتین مشغول بود، نیز شرکت داشت. وی نزدیک به دو سال پیش، هنگامی که اکثریت مردم شیلی با آرا خود به رژیم پینوشه "نه" گفته و به حکومت ۱۷ ساله وی پایان دادند، به سانتیاگو بازگشت و برای ایجاد رادیو تیرا کمک‌های خود را آغاز نمود.

به گفته اورتگا برای جذب همه علاقمندان آگاهی داده شده "۱۸" زن که با راست‌های فکری و گرایشات فمینیستی ما همخوانی داشتند، ظرف ۱۴ روز با شیوه کار رادیو آشنا شدند که یک سوم این همه اینک جز همکاران ثابت رادیو می‌باشند."

الیانا اورتگا می‌گوید:

اگر چه زنان نقشی بسیار مهم در ترقی شغلی و در نتیجه اجتماعی همسران و فرزندان خود دارند، هم‌اکنون این فعالیت آنان که هم‌رغم تمامی محدودیت‌های اعمال شده در موردشان صورت می‌گیرد و نقش تعیین کننده‌ای نیز دارد، ارزش خود را نمی‌یابد.

ناگفته پیداست که گرچه این جنایات و جرایم در تمامی کشورهای جهان بوقوع می‌پیوندند، ولی سطح این تبعیض در کشورهای مختلف بسیار متفاوت است. نمی‌شود انکار کرد که زنان کشورهای پیشرفته صنعتی از حقوقی به مراتب بیش از زنان کشورهای جهان سوم برخوردارند.

شعری لبریز از رنج و حرمان

تاما ضعیف و نان خور مردیم و گوشه جوی راهی به جز اطاعت مرد قدر نیست در جیب اوست دست تو اما حساب هست در دوش اوست بار تو اما بقیر نیست دیربست تا که من نگرانم درین ولی زودار به راه چاره گزایی تو دیر نیست بی‌حرکی و انفعال نسبی زنان در امور سیاسی و اجتماعی و نیز عدم اتکات آنها به خود، در نظر ژاله به درستی از عوامل تحکیم مردسالاری و پایمال شدن حقوق نسبی از افراد جامعه به شمار می‌روند، از همین روست که می‌سراید:

... دست و پای، همتی، شوری، قیامی، کوشی
شهر هستی جان من جز هر صه ناور د نیست
آخرای زن جنبشی کن تا ببیند عالمی
کآنچه ما هست، هم زن بیشتر در مرد نیست
امروز شاید شعرهای ژاله برای قشرهای آگاه جامعه ما حرف تازه‌ای در بر نداشته باشد، اما سرایش چنین اشعاری در دوران پر از جهل و خرافات قاجاریه نشانه ژرف اندیشی، تاثر شدید از ناپهنجاریها و سوری پر شور در بیان آشکار آنهاست. راست این است که امروز نیز با توجه به رنج و فشاری که از قبل رژیم زن ستیز جمهوری اسلامی و نیز از رهگذر سنن و آئین‌های پوسیده و ارتجاعی بر زنان می‌رود، شعر ژاله همچنان تازه است و به لحاظ مضمونی تا حد زیادی حال و روز زنان جامعه ما را بازتاب میدهد.

ژاله قائم مقامی یکی از شاعران آگاه و روشن بین اواخر دوره قاجاریه و اوایل سلطنت پهلوی است که متاسفانه همچون قرة العین تقریباً ناشناخته مانده است

شعر ژاله به رفق ساختار و بافت نسبتاً ساده‌اش بیانگر صریح و بی‌پرده رنجها و ناپهنجاریهای اجتماعی و فرهنگی و نیز انشاکگر ستمی است که بر زنان رفته و می‌رود. برای نمونه ژاله که خود در ۱۶ سالگی به ازدواج مردی چهل و چند ساله در می‌آید، در شعرهایش از این تجربه تلخ یاد کرده و آن را آشکارا مورد نکوهش قرار میدهد:

... گرچه در ظاهر رضای ماست سامان بخش کار
لیک لبهای "بلی گو" بر دهان مادر است
دختر نه ساله شوهر را چه می‌داند که چیست؟
کی هر و سگ باز را جامه هر و سی در خور است
شر طرز و یج از بودنه سالگی در دین ما
هم بلوغ جسمی و عقلی دو شرط دیگر است
در دگر جا دختر نه ساله گر بالغ شود
جان خواهر جان آن سوادنه در این کشور است
ژاله در شعرهایش همچنین به نابرابری مرد و زن و ارتباط مردسالاری با مسائل اقتصادی و معیشتی اشاره کرده و می‌سراید:

مرد است قیم من و امثال من که او
زن را ضعیف داند اگر خود کبیر نیست
رو بسته، دست بسته، زبان بسته، بسته چشم
آخر حقیر کیست، اگر زن حقیر نیست
نیرنگ و رنگ و جنبل و جادو سلاح ماست
لیک آن سلاح نیز چنان قلعه گیر نیست

تعریف، گروه‌بندی و خصلت‌نگاری نیروهای سیاسی کشور و نگاهی به چشم‌انداز

فرخ نگهدار

چندی پیش به دعوت دوستان در فرانکفورت صحبتی داشتم در باره مبانی گروه‌بندی نیروهای سیاسی کشور و زمینه‌های همکاری و اتحاد میان آنان. نظر به بحث مفیدی که در زمینه شیوه تعریف و دسته‌بندی نیروهای سیاسی در جریان است و نظر به اهمیت روندهایی که محتمل است در ایران و پیرامون آن گسترش یابد بر آن شدم که مضمون آن صحبت‌رادر قالب مقاله‌ی انتشار دهم.

در سال‌های پس از انقلاب بحث‌های طوفانی در سازمان‌ها در جریان بود. موضوع بحث مسأله "هویت" و "ماهیت" سازمان بود. نتیجه این شد که اگر بخواهیم یک سازمان مارکسیست - لنینیست باشیم باید از یک سازمان چریکی به سازمان سیاسی طبقه کارگر گذر کنیم. با انشعاب اقلیت طوفان آرام گرفت و تلاش‌ها آغاز شد. ما الگوی احزاب کمونیستی هملا موجود در آن زمان را در مقابل خود قرار دادیم و از نظر مبانی فکری، اصول برنامه‌ای، ساختار سازمانی و شیوه تدوین مشی سیاسی با کار و تلاشی شبانه روزی مرحله پوست اندازی را تمام کردیم و هملا به سازمانی بدل شدیم که مطابق همان الگو بود.

ما آنچه را که یافتیم "مقام" و موقعیت تاریخی احزاب شده "نام نهادیم" و "ماهیت و هویت" خود را به مثابه "سازمان سیاسی طبقه کارگر ایران و پیشاهنگ آن" تعریف کردیم و به همین عنوان هم توسط سایر احزاب مشابه شناخته شدیم. (هر چند تضاد در باره گذشته سازمان ما وظیفه این نوشتار نیست، اما من ناگزیرم در اینجا به تضاد اشاره کنم که کنگره اول سازمان ارائه داد و تحول فوق را منعی و تفرقاتی تصویر کرد. اما من شخصاً نظری جز این داشتم و دارم: در میان انتخاب‌های ممکن که در آن سال‌ها در مقابل طیف وسیع فداثانی قرار داشت، انتخاب سازمان اکثریت در مقایسه با دیگران "بهترین" بوده است. هم در مسیرهایی که بعداً پیرویم و هم در حفظ موجودیت و اهمیت سازمان بسیار موفق‌تر از دیگران بوده‌ایم. واقعیت کنونی ما و دیگران خودگویایترین شاهد است. بگذریم.)

تردید در تعریف طبقاتی

اما این تضاد مانع از آن نیست زمانی که من امروز وقتی سازمان را در آن سال‌ها پیش چشم مجسم می‌کنم "ماهیت" و "تعریف" آن را همان بنییم که در آن سال‌ها می‌دیدیم. امروز من نمی‌توانم آن سازمان را "سازمان سیاسی طبقه کارگر ایران" و "پیشاهنگ آن" تعریف کنم. سرچشمه این تردید از دو جاست. یکی مبانی و دیگری ذهنی.

به لحاظ عینی مسأله این است که آیا اصلاً می‌توان مدعی شد که کارگران ایران به لحاظ سیاسی متشکل هستند؟ سطح تکامل سیاسی و اجتماعی جامعه ما هنوز در جدی نیست که کارگران یا دهقانان متشکل باشند و یا حتی به یک گرایش سیاسی و اجتماعی تاریخی معین پیوند خورده باشند. کارگران ایران حتی هنوز تشکل صنفی خود را هم ندارند. آنها هیچ‌گاه با هیچ حزب و سیاستی چنان مربوط نبوده‌اند که پیشاهنگی و رهبری آن را بپذیرند. البته حمایت مقطعی از این یا آن جریان یا فرد منظور نظر نیست. وضع در ایران با اروپا فرق می‌کند. در انگلیس حزب کارگر، در ایتالیا حزب کمونیست، در آلمان حزب سوسیال دموکرات، در روسیه حزب بلشویک و اتحاد تشکلی کارگری بوده‌اند و یا هنوز هم هستند. حتی در برخی از این احزاب رهبری حزب هملا توسط اکثریت طبقه کارگر انتخاب می‌شود. مارکس در بسیاری جاها بجای نام بردن از احزاب از پروتاریا و بورژوازی نام می‌برد که البته گرچه نوعی افراط در رابطه طبقه و حزب را در خود دارد اما کاملاً هم توخالی نبود. در حالی که این تبدیل متفاوت در ایران همواره مضحک و اصلاح‌ناپذیر قابل درک بوده است.

به لحاظ ذهنی این سوال مطرح است که تا چه میزان به مصلحت جامعه و حتی به مصلحت همان تشر و طبقه است که حزبی مستمرا خصلت طبقاتی خود را تعیین برد و تقویت کند و یا بکوشد مطلقاً و کالت یک گروه اجتماعی معین را بر همه گیرد. یا این سوال که اصولاً تاثیر طبقه بر حزب تا چه میزان می‌تواند گسترش یابد؟ احزاب سیاسی تاریخی شکل گرفته مسلماً پیوندهای اجتماعی و طبقاتی معینی دارند. آنها در تعیین سیاست خود از همه گروه‌های اجتماعی به یکسان تاثیر نمی‌پذیرند. حتی در ایران که جامعه سیاسی آن چنان متکامل نیست باز هم در یک از جریان‌های سیاسی با گروه‌های اجتماعی معین ارتباطات نزدیک‌تر دارند و از آنان بیشتر تاثیر می‌پذیرند. اما نه این صحیح است که ادعا شود این جریان‌ها با سایر طبقات اجتماعی مربوط نیستند، از آنها تاثیر نمی‌پذیرند و یا منافعی آنان همواره مقابله می‌کنند، و نه این صحیح است که هملا است که حزب بکوشد این گرایش‌ها را مطلق کند. مارکسیسم به جامعه شناسی و علم سیاسی کمک کرده است که جنبش‌های سیاسی با بار و سمت‌گیری طبقاتی و اجتماعی‌شان در نظر گرفته شوند. اما آنجا که در تاثیر این بار افراق می‌شود، آنجا که تلاش می‌شود این بار سنگین و سنگین‌تر شود، آنجا که حزب و طبقه یکی گرفته می‌شوند و یا آنجا که بطور کلی نیروی محرکه تاریخ صرفاً مبارزه طبقاتی

در نظر گرفته می‌شود نباید گفت چنین احکامی هم دور شدن از واقعیت‌ها و هم دور شدن از مصالح اجتماعی را در بر دارد.

به نظر من بار و خصلت طبقاتی فقط یکی از وجوه مشخصه احزاب سیاسی است که تازه این وجه در کشور ایران نمی‌تواند وجه مشخصه اصلی تعریف شود.

متد تعریف را چگونه انتخاب کنیم؟

اگر فداثانی بخواهند سازمان خود را منصفانه و واقع بینانه تعریف کنند، لاجرم ابتدا باید متدی را برگزینند که نه فقط در تعریف سازمان، که در تعریف سایرین نیز بکار آید. خود خواهانه و ذهنی است که کسی در تعریف خود از یک متد برای دیگران از متدی دیگر استفاده کند. به علاوه تعریف سازمان ما باید تا آنجا که ممکن است واقعیت‌ها و ویژگی‌های عمده‌ی عینی را بازتاب دهد. یعنی عامل ذهنی - که هموما تحت تاثیر تمایلات سیاسی است - بی‌طرفانه بودن تعاریف را مخدوش نکند. کسی که می‌خواهد جریان‌های سیاسی را تعریف و گروه‌بندی کند لزوماً باید بتواند نه به عنوان فردی وابسته به این یا آن جریان سیاسی خاص بلکه به عنوان یک ناظر و محقق خارجی و بی‌طرف عمل کند.

من در این نوشته سعی کرده‌ام چنین عمل کنم. البته بدون اینکه خود بدانم تا چه حد موفق بوده‌ام. تضاد و تطبیق فقط وقتی میسر است که نظر و واکنش نیروهای وابسته به جریان‌های مختلف، بویژه مخالف، برسد و جمع بندی شود.

و بالاخره تعریف باید بر اساس کلی‌ترین وجوه تمایز و تشابه جریان‌های سیاسی بدست آید و در برگیرنده‌ی همین وجوه باشد. با مطالعه‌ی جنبش‌ها و سازمان‌های سیاسی تاریخی شکل گرفته عمده‌ترین وجوه مشخصه آنان را چنین می‌توان جمع بندی کرد:

- ۱- پیوندهای اجتماعی (طبقاتی، ملی، ...)
- ۲- ایدئولوژی، گرایش‌های فکری، آرمان خواهی
- ۳- مشی و اهداف سیاسی و اجتماعی
- ۴- الگوهای رفتاری
- ۵- سابقه تاریخی
- ۶- ستام

قبل از هر چیز باید پرسید آیا می‌توان وجه مشخصه دیگری هم در نظر گرفت؟ من وجه مشخصه کیفی - تاریخی دیگری نیافتم. البته عامل "موقعیت سیاسی و اجتماعی" هم بسیار مهم است و چنانچه در نظر گرفته شود معلوم می‌شود کدام جریان‌ها حاکم و کدام غیر حاکم‌اند، کدام قوی‌تر و کدام کم‌اهمیت‌ترند و نفوذ اجتماعی و سیاسی هر جریان تا کجاست؟ اما من از آن صرف نظر کردم زیرا بیشتر یک پارامتر کمی است و کمتر ماهیت را توضیح می‌دهد. بدین ترتیب تصور می‌برود هر گاه جریان‌های سیاسی کشور از شش جهت فوق شناخته شوند، بتوان تعریف جامعی از هر یک از آنها ارائه داد و در گروه‌بندی و خصلت‌نگاری نیروهای سیاسی کشور جایگاه آنان را مشخص کرد.

کدام "وجه" را مبنایگذاریم؟

اگر بخواهیم نیروهای سیاسی کشور را مبنای پیوندهای طبقاتی آنان تعریف و تقسیم کنیم، جایگزینی کدام وجه بجای آن مناسب‌تر است؟ سوال اینست که آیا باید گروه‌ها را بر مینا و محور سیاست‌شان تعریف و گروه‌بندی کرد یا بر اساس ایدئولوژی آنها. آیا نام گروه‌ها و شخصیت‌های سیاسی برای گروه‌بندی جریان‌های سیاسی کافیست یا بهتر است اینکار بر اساس سیر و سابقه تاریخی و یا رفتار اجتماعی آنان صورت گیرد؟

در سال‌های دهه ۵۰ در ذهن فعالین سیاسی ملامک ایدئولوژیک خیلی قوی‌تر از سایر ملامک‌ها عمل می‌کرد. جریان‌های سیاسی کشور را همه به مارکسیسم و مذهبی و یا آمیزه‌ای از این دو تقسیم و طر فخران رژیم شاه را هم نه به مثابه یک "نیروی سیاسی" بلکه به عنوان حماقت سرکوب تحلیل می‌کردند. وضع طوری بود که حتی اکثر فعالین سابق جبهه ملی که هیچ وقت جزیرانی ایدئولوژیک نبود - نیز خود را مجبور می‌دیدند در باره مذهب و مارکسیسم اظهار نظر کنند.

آیا صحیح است که ایدئولوژی مبنای تعریف نیروهای سیاسی شناخته شود؟ گرچه برخی هنوز چنین می‌کنند اما به نظر نمی‌رسد که این کار مثبت باشد. زیرا: تقسیم‌بندی و تعریف شمولیت خود را از دست می‌دهد. امروز دیگر اکثریت بزرگ فعالین سیاسی کشور (البته غیر حاکم) با معرفی جریانی که به آن وابسته‌اند به عنوان یک جریان ایدئولوژیک مخالفتند. آنها می‌گویند ایدئولوژی و جهان بینی امری شخصی‌است و نباید حزبی باشد و در مناسبات احزاب سیاسی با یکدیگر و با جامعه بکار گرفته شود. آنها مخالف ملزم کردن سازمان سیاسی به پیروی از ایدئولوژی خاص و موافق اعلام آزادی عقاید در حزب‌اند. به نظر نمی‌رسد بتوان هم ایدئولوژی را مبنای گرفت و هم ایدئولوژیک بر خورد نکرد. تعریف گروه‌ها و گروه‌بندی گرایش‌ها وقتی موفق است که بیطرفانه باشد و بتواند جز ما توسط دیگران هم پذیرفته شود. و از آنجا که ایدئولوژی و اصول عقاید اموری فی‌نفسه شدت جانبدار هستند همه پذیری تعریف را غیر ممکن می‌کنند. در باره مشی و اهداف سیاسی چه می‌توان گفت؟

در سال ۵۸ در سازمان مباحث حادی جریان داشت بر سر اینکه تعیین مواضع ایدئولوژیک برای سازمان مقدم‌تر است یا تدوین خط‌مشی سیاسی؟ اکثریت بر ایدئولوژی و اقلیت بر خط‌مشی سیاسی تاکید داشت. من امروز فکر می‌کنم اگر آن روز ما درک امروز را داشتیم می‌باید ایدئولوژی و جهان بینی را در سازمان آزاد اعلام می‌کردیم و بحث خط‌مشی را در دستور می‌گذاشتیم. قطع نظر از اهمیت خط‌مشی و اهداف سیاسی، به نظر نمی‌رسد بتوان آن را ملاک تعریف نیروهای سیاسی قرار داد. برای موضع‌گیری در قبال سایرین، هر کس لاجرم خط‌مشی و سیاست آنها را در مرکز توجه مبنای گروه‌بندی قرار می‌دهد. اما این گروه‌بندی لزوماً خصلت‌گذار دارد و کاملاً تابع شرایط سیاسی و تابع تصمیم رهبران سیاسی است. در حالیکه برای تحلیل‌های با ثبات‌تر و شناخت ماهیت تکیه بر سیاست روز چندان اهمیت‌آفرین نیست. بدین منظور وجوه با ثبات‌تر و متداوم‌تر جریان‌های سیاسی باید مبنای قرار گیرند.

در مورد الگوهای رفتاری باید مقدمات توضیح بیشتری داد. چون این اصطلاح متداول نیست و من چون معادل شناخته شده‌تری برای بیان مقصود نیافتم آن را بکار برده‌ام. مقصود از "الگوهای رفتاری" آن دسته از ویژگی‌های هر نیروست که بر "شیوه عمل و رفتار سیاسی و اجتماعی آن نیرو موثر می‌افتد و آن را شکل می‌دهند. لذا "الگوی رفتاری" اصطلاحی است نزدیک به مفهوم "شیوه‌های عمل". چند مورد مهم را نام می‌بریم.

- وزن قهر و خشونت و یا مسالمت در عمل سیاسی یک شاخص عمده‌ی تشخیص‌الگوی رفتاری است. نیروهایی که در نظرشان واژه‌های "سیاست" و "سرکوب" یا "سلاح" و "سیاست" یک معنای واحد رانده‌ای می‌کند. نیروهای دیگری کاربرد سلاح و خشونت را به شرایط سیاسی (و نه تاریخی)، به ویژه به نحوه عمل مخالفین، مشروط کرده و هیچ یک از راه‌های مسالمت‌آمیز یا قهرآمیز را برای دستیابی به اهداف خود غیر مجاز نمی‌شناسند. و بالاخره نیروهایی هستند که تحقق اهداف خود را تنها از طرق مسالمت‌آمیزی می‌گیرند.

- اعتقاد به انقلاب یا رفرم در تحقق اهداف سیاسی و اجتماعی وجه دیگری از الگوی رفتاری است. نیروهایی که این اندیشه‌اند که بدون یک تحول همه جانبه، قطعی و همبند که همه‌ی هرصه‌های حیات جامعه را در برگیرد "رفع بحران" امکان پذیر نیست و تا چنین نشود هیچ اصلاح و رفرمی موثر نخواهد افتاد. نیروهای دیگری در انتخاب میان رفرم و انقلاب مرددند و آن را به شرایط موکول می‌کنند. و کسانی هم هستند که رفرم را بر انقلاب ترجیح داده صرفاً بر آن تکیه می‌کنند.

- نیروهایی هستند که در عمل سیاسی سازش‌ناپذیری، نهایت طلبی و مقابله‌جویی را از صفات نیک می‌شمارند. در دیالکتیک وحدت و تضاد بر تضادها تکیه می‌کنند و یا بسته هستند و از اولی و طلب و نسبت به نهایت دیگران بسیار مظلون. نیروهایی هم هستند که در رفتار سیاسی آنها میانه روی اعتدال و اعتدال بویژه نسبت به مخالفین از صفات نیک است. آنها نقاط وحدت را برجسته می‌کنند و اصل را بر اعتقاد می‌گذارند. نیروهای که برای آنها ...

و بز واضح که این هائوز جامع تمام جهات رفتار سیاسی و اجتماعی نیست. اگر چنین بود، به اعتقاد من وجه "الگوی رفتاری" بویژه اگر در پروسه تاریخی شناخته می‌شد، می‌توانست مناسب‌ترین مبنای گروه‌بندی و تمیز جریان‌های سیاسی کشور شناخته شود. اما فعلاً من تمام خطوط تصویرگر "الگوهای رفتاری" را نتوانسته‌ام برای خود تثبیت کنم. جامعه نیروهای سیاسی ما هم که بیشتر از زاویه "طبقات" و "ایدئولوژی"، "سیاست" و برنامه "یا از طریق" سابق تاریخی" نیروها را شناخته و تعریف کرده است، پیشنهاد مینا شدن "الگوی رفتاری" پیشنهادی زودرس است.

مشخص‌ترین وجه هویت هر نیروی سیاسی البته نام است و برای گروه‌بندی آنها ساده‌ترین کار تقسیم‌بندی نام و هئاونیتی است که خود آنها مشخص کرده‌اند. اما در امر تعریف نیروها و دسته‌بندی آنان بر اساس وجوه تمایز و یگانگی‌شان، این کار کمتر مفید می‌آید و مضمون مقصود نیست. ایست بندی زیر نام‌ها را با دهها و اگر نام شخصیت‌ها را هم با فزائیم - که باید بیافزائیم - با صدها عنوان درگیر می‌کند و تکیه بر آن قطعاً بیشتر اشتباه‌اش آفرین است تا معرفت‌زا.

اما در باره مبنای گرفتن سیر و سابقه تاریخی نظر دیگری باید داشت: از آنجا که جریان‌های سیاسی و اجتماعی محصول روندهای تاریخی هستند و نمی‌توانند خلق‌الساعه پدید آیند و خصلت‌های تاریخی شکل گرفته‌ی آنها پایدارترین وجوه حیات آنان بشمار می‌رود، از آنجا که حذف جریان‌های تاریخی از طریق توطئه و سرکوب و یا از طریق انحلال و ادغام در سایر جریان‌ها بسیار بعید و حتی عموماً غیر ممکن است، از آنجا که وجه تاریخی هویت هر جریان قابل اعتمادترین و عینی‌ترین وجه هویت است، و بالاخره از آنجا که هویت اجتماعی و طبقاتی در کشور ما چندان قوام یافته نیست، به نظر می‌رسد گروه‌بندی نیروها بر اساس هویت تاریخی آنان مناسب‌ترین شیوه باشد.

همه‌ی کار در هویت تاریخی و مبنای گرفتن آن برای تقسیم و تعریف نیروها را نباید به همه‌ی زمان‌ها و همه‌ی کشورها تعمیم داد. شاید ملامک اجتماعی - طبقاتی برای کشورهای اروپایی و ملامک تومی - قبیله‌ای برای افریقای سیاه واقع بینانه‌تر باشند. در هر حال در باره هر کشور باید فقط پس از تحلیل مشخص نظر داد.

گروه‌بندی تاریخی

نیروهای سیاسی کشور

جستجوی سر منشاء جنبش‌های سیاسی ما را فراتر از آستانه مشروطه نخواهد برد. مبارزه سیاسی در ایران در مفهوم معاصر آن، قبل از یک قرن پیش وجود نداشته است. در جنبش مشروطه، مشروطه خواهان در یک جبهه و مستبدین در طرف دیگر بودند. در میان مشروطه خواهان جوانه دو گرایش مشهود بود: اندیشه‌ای که بیشتر تحت تاثیر انقلابات دموکراتیک و ضد فئودالی اروپا قرار داشت و اندیشه‌ای که از این فراتر رفته، تحت تاثیر جنبش سوسیالیستی در روسیه قرار داشت. مستبدین هم خود دو نیرو بودند: یکی هواداران سلطنت مطلقه که شاهزادگان و درباریان و برخی سران ایالات و خوانین را در بر می‌گرفت و دیگری "مشروطه خواهان" که بخش عمده‌ی ملایان گرد آن بودند.

در دوره‌ی رضا شاه هم چنان ۴ گرایش عمده در میدان هستند. سه جریان اخلاف همان‌هایی هستند که در آستانه مشروطه برآمد کردند. واقعه مسجد گوهر و نفرت فرو خورده‌ی آخوندهای بزرگ قم و مشهد، خلع و تبعید آنان نشان از تداوم مشروطه خواهی، شیخ فضل‌الله‌ها دارد و سرکوب حزب کمونیست و ۵۳ نفر نشان از تداوم راه اجتماعیون عامیون. آزادی خواهان و استقلال طلبان دوره مشروطه نیز با تسلط رضا خان گر چه کنار زده شده یا پراننده شدند اما تاثیر و نفوذ افکار آنان و نیز وجود نیروی دیگر در میان اقشار مربوطه هم چنان تداوم یافته است. تغییر مهم در این دوره گذار از استبداد مملوک الطوائنی مملوک قاجاری به استبداد متمرکز و تجدید گرای پهلوی است. گذار از قاجار به پهلوی در واقع آغاز پایان حیات یک جریان سیاسی و پیدایی جریانی تازه در تاریخ سیاسی کشور است.

در دوره ۳۰ تا ۳۲، که دربار پهلوی کمتر قدرت سرکوب داشت، بار دیگر همان سه نیروی مخالف برآمد کردند. منتها در کسوت حزب توده ایران، جبهه ملی ایران و زیر نام فداثانی اسلام و گاه کاشانی، آنها نسل دوم فعالان سیاسی عصر مشروطه بودند. از ۳۲ تا ۳۴ یک استبداد شاهی از نو جان گرفته و تجدید طلبی و تمرکز گرای راپی می‌گیرد و از سوی دیگر سه نیروی اپوزیسیون سخت سرکوب و به لحاظ سازمانی نابود می‌شوند. اما باز هم بدون اینکه نفوذ تمایلات و افکار آنان در دل جامعه برانداخته شود. درست برعکس، در همین دوره است که تلاش‌های تازه و جایگزینی نسل سوم فعالان سیاسی کشور نطفه می‌بندد.

نسلی که، هم روند با دگرگونی‌های عمده در حیات اجتماعی - اقتصادی کشور پا به عرصه حیات می‌گذاشت، جبهه اصلی خود را زیر نام‌های فداثانی خلق، مجاهدین خلق و پیروان نهضت خمینی قرار میداد. و سوال بزرگ این است که بین این نسل و نسل قبلی کدام علائق و رابطه موجود بوده است؟ تکلیف نهضت خمینی کاملاً روشن است. آنها پیروان و پی‌گیرندگان صدیق و شناخته شده همان مشی و مشربتی هستند که شیخ فضل‌الله پی انداخت. در باره فداثانی نیز کمتر تردیدی وجود دارد. همه میدانند که آنها هم‌ماز پایه اجتماعی نهضت سوسیالیستی ایران برخاسته‌اند و شجره نامه خود را همیشه به حیدر خان میرسانند. اکثریت مطلق آنها یا در خانواده‌ای توده‌ای تولد یافته و یا هر یک به نوعی تحت تاثیر و الهام از محیط‌های فعالان سابق حزب به جنبش پیوسته‌اند.

اما وضع در باره مجاهدین به این سر راستی نیست. اندیشه پر جذبه و تلاش خلاق بنیانگذاران این سازمان آن بود که، نهضتی تاسیس کنند چنان فراگیر که قادر گردد عمده‌ترین ویژگی‌های سه رکن اصلی اپوزیسیون رژیم شاه را یک جا در خود جمع کند. رسالت آنها این بود که خلا رهبری سه نیروی سوسیالیستی، ملی - مصدقی و مذهبی ایران را جبران کنند. پلی باشند پیوند دهنده این سه و چتری باشند در برگیرنده‌ی ایده‌آل‌ها و ارزش‌های آنان. و آنان گام‌های بلند در این راستا برداشتن.

اما این تدبیر بزرگ در اثر دسیسه‌ها و نادانی‌ها در نیمه راه به ناکامی گرایید و به بدگمانی‌ها بسیار دامن زد. ارزیابی من این است که بسیار بعید است مجاهدین بتوانند از راهی که رفته‌اند بازگردند و موقعیتی را بازیابند که بنیانگذاران آنها در سر داشتند. پلهای بسیار تخریب شده و شرایط از بنیان دگرگون گشته است. آنها به بیراهه‌ای بن بست رفته‌اند و اگر عوامل خارجی و بحران داخلی راه تعبیر خواب فعلی آنها را - که تحمیل رژیم نوعی عشی بر ایران است - را مساعد کنند، که فرض قریب نمی‌کند، سر نوشت تاریخی آنها آنست که یا به بستر یکی از جریان‌های اصلی جامعه بازگردند و یا - اگر باقی بمانند - به گروهی سکت و سترون تنزل یابند.

بسیار بعید است شرایط سیاسی و اجتماعی معاصر کشور "تاسیس پنجمین هویت تاریخی" از آن کسی طلب کند. انقلاب بعین دگرگونی‌های عمده در آرایش نیروهای سیاسی کشور پدید آورد. نهضت اسلامی به حکومت رسید و هواداران رژیم شاه به جوار اپوزیسیون رانده شدند حد و کشاکش‌های برخی نیروهای ملی - لیبرالی را در صف نهضت اسلامی جای داد، بعضی را هم بسوی سلطنت طلبان سوق داد. بخشی نیز پایداری کرده و مستقل ماندند. انقلاب آرایش و موقعیت نیروی چپ را دگرگون کرد. به علاوه در سال‌های پس از انقلاب در صفوف هر یک از نیروهای ۴ گانه مواضع و گرایش‌ها و جناح‌های تازه و گاه شگرف شکل گرفته است.

پاسخ به خوانندگان

آقای س. فریدان بلژیک

با سلام و آرزوی بهروزی متقابل برای شما، نوشته‌اید که: «خبر مندرج در کار شماره ۵۲ تحت عنوان «نامه سرگشاده احزاب چپ به دبیر کل سازمان ملل متحد پیرامون نقض حقوق بشر در ایران» متأسفانه کامل نیست و به نظر من به عمد! نام چهلمین شرکت کننده در کنگره حزب کمونیست پرتغال حذف شده است. این چهلمین شرکت کننده حزب توده ایران می‌باشد که نامه را به امضا ۳۹ حزب دیگر رسانیده است.» و اضافه کرد: «حزب توده ایران نیز نماینده یک جریان و طرز فکر است و اصول دموکراسی حکم میکند که به حذف مصنوعی نام آن در اخبار نپردازیم.»

در پاسخ به شما دوست عزیز: (۱) نشریه کار از جریان کنگره حزب کمونیست گزارشی نداده و نتیجتاً هم از ۳۰ شرکت کننده در این کنگره نام نبرده بود تا خبر درج شده، «ناکامل» تلقی شود.

(۲) ما همین متن نامه امضا شده را با ذکر نام هر ۳۹ امضا کننده آن (و البته با تلخیص عنوان کامل احزاب امضا کننده) در نشریه درج کردیم و شما هم اطلاع دارید که نام حزب توده ایران جزو امضا کننده‌ها نبوده و منطقاً هم نمیتوانسته باشد. لذا، هیچ حذنی در کار نبوده است تا بر سر «عمد» یا غیر عمد بودن آن بحث شود.

(۳) نشریه کار، نه تنها با هرگونه مسکوت گذاشتن و شیوه حذف و بطریق اولی «حذف مصنوعی» نیروها و جریانات فکری و سیاسی کشور مخالف است، بلکه به آن بخش از نیروهای سیاسی دموکراتیک میهنان تعلق دارد که مبشر پلورالیسم سیاسی در کشور و ایجاد فضای برخورد متمدنانه نیروهای اپوزیسیون بایکدیگر می‌باشد. امید است که با این توضیحات هرگونه سو تفاهم از بین رفته باشد. دست شمار امی فشاریم.

آقای بهروز میثمی از انگلستان

با سلام به شما همکار گرامی، ترجمه شعر ما یا آتولو شاهره سیاهپوست امریکایی را که بمناسبت ۸ مارس روز جهانی زن بر ایمن فرستاده بودید، دریافت کردیم: شعری دلنشین با ترجمه‌ای ساده و رسا، متأسفانه شعر طولانی است و امکان چاپ همه آنرا نداریم. اجازه بدهید فقط بخشی از آنرا همراه خوانندگان نشریه کار بخوانیم.

باز هم بخواهم خاست
شاید در تاریخ فراموش شده‌ام پنداری
بادروغ‌های تلخ و واژگون شده‌ات
ممکن است در گل لگد مالم کنی
ولی بسان خاک بپا خواهم خاست.
شاید با سخنان گلوله بارانم کنی
شاید با دیدگانم مرادری
شاید با تنگت به قلم برسانی
ولی همچنان، بسان هوا، بپا خواهم خاست.

آقای شاهین از اطریش

ما هم سلام داریم خدمت شما و هم خدمت دوستان مقیم اطریش. از اینکه دلسوزانه در فکر پر بار کردن نشریه کار هستید، بسیار ممنونیم. مقاله تحقیقی کوتاه شما راجع به «نوروز و تاریخ» را دریافت کردیم. سعی ما استفاده از مطالب آن در اولین فرصت است.

خانم پرند گورانی گرامی از آلمان
با درود، احساس گرم شما نسبت به زحمتکشان ترک مقیم آلمان را ارج می‌نمیم. از یک انسان مترقی و آزاده جز این انتظار نمی‌رود. از ترجمه شعر ارسالی شما که در همین زمینه سروده شده است، بعداً استفاده خواهد شد.

از پاسخ شما به فراخوانی که نشریه کار در مقدمه ترجمه گزارش گالیندوپل انتشار داد، متشکریم. لطف کنید بر روی کاغذ سفید قطع معمولی با خط خوانا همه اطلاعات مستندی که در طول سه سال زندان دیده یا شنیده‌اید با ذکر جزئیات برای ما بفرستید تا جهت ارسال به کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل اقدام کنیم. و اینک سروده‌تان، که خواسته‌اید بمناسبت ۸ مارس - روز جهانی زن، در نشریه چاپ شود. شعری که، به «لحظه‌های پر از درد زندگی مادرم» تقدیم شده است.

ما زنان گناهناکرده، طرد شدگانیم
فریادهای جاری خشم ...
فراموشان مصر طغیان ...
ما زنان خطا ناکرده، پژمرده‌گانیم
اما ... ما زنان جامعه سازندگانیم
خون از دیده چکیده ...
خفته در آغوش طوفان ...
ما زنان قربانی عصر زورگویانیم
اما ... چون سیل خروشان به دریای روانیم
بینوا، ستم‌دیده ...
انبوه خشم و هسیان ...
ما زنان قربانیان خاموش‌مانیم
اما ... پرورش دهنده نوجوانان جهانیم
جبابی در هوا، یکه تپهره بازانیم
رودباری سرگردان ...
فریاد بی‌پژواک در کوهساران ...
آخ ... که مادر دمدندان آخر به کجاریانیم

آقای ح. اهرابی از کانادا

از ابراز لطف‌تان نسبت به نشریه کار و کارکنان آن متشکریم. نشریات از سالی‌تان واقعا هم ما را در «حال و هوای ایرانیان» آن دیار قرار داد. متن انگلیسی گزارش گالیندوپل را میتوان از طریق مراکز وابسته به سازمان ملل تهیه کرد. نوشته بودید که: «بر خورد علمی و منطقی با مسئله صحنه‌گرایی که به یکی از موضوعات بحث بدل شده است، خالی از فایده نخواهد بود، و اینکه هر چند مردم ایران صدها مشکل مهم‌تر در پیش رو دارند اما بحر حال این موضوع برای فردای جامعه ایران موضوعی دور از ذهن نیست.» ما با شما هم در اصل مطلب و هم بویژه در تاکیدات بر مسائل «مهم‌تر»، موافق هستیم. نشریه کار از مواجهه علمی با هر موضوع اجتماعی اعم از اصلی یا فرعی استقبال میکند و طبعاً بر حکم حکیمان‌الاهم فی الاجم هم نیز مصر است. و اما خیر شرکت ایرانیان دموکرات و تریخ‌خواه در تظاهرات سه هزار نفری و نکوور کانادا علیه نژاد پرستی، فاشیسم و نئونازیسم در روز ۲۵ ژانویه، باعث خرسندی ما نیز شد. پیروز باشید.

آقای ت. از بلژیک

دست شما را می‌فشاریم. نامه‌تان را دریافت کردیم. در پاسخ به تقاضای شما، به همان روش اقدام خواهیم کرد که خود در نامه‌تان تاکید ورزیده‌اید. دقت و هوشیاری‌تان را حفظ نمائید. موفق باشید.

کنگره وحدت

حزب کمونیست روسیه

یر همه داشت، اظهار امیدواری کرد که حزب بتواند ۱۵ تا ۲۰ درصد اعضای سابق خود را دوباره جذب کند. وی در مورد مواضع اقتصادی حزب گفت: «ما بر آنیم که سوسیالیسم و بازار با هم قابل تلفیقند. تجربه چین نیز این امر را تأیید می‌کند.»

در مورد اصول اساسنامه‌ای، کنگره علیرغم تاکید بر منوعیت فراکسیون‌ها در حزب، خاطر نشان کرد در صورت همخوانی اهداف سایر گروه‌های کمونیست با برنامه حزب کمونیست فدراسیون روسیه، اعضای حزب می‌توانند در آن واحد عضویت خود در گروه‌های دیگر را نیز حفظ کنند. هدف از این قاعده این است که حزب کمونیست فدراسیون روسیه بتواند نقش متحد کننده همه کمونیست‌های این کشور را که فعلاً در گروه‌های مختلف شکل یافته‌اند، ایفا نماید.

کنگره، اتحاد عمل با «جبهه رهایی بخش ملی» را که بخش بزرگی از نیروهای مخالف یلتسین رئیس جمهور روسیه را در بر می‌گیرد، از اهداف حزب اعلام کرد.

شنبه ۱۳ فوریه دومین کنگره فوق‌العاده حزب کمونیست فدراسیون روسیه تحت عنوان کنگره بازسازی و وحدت آغاز بکار کرد. در این کنگره که در مسکو تشکیل شد، ۶۵۰ نماینده شرکت کردند. در کنگره، نمایندگان «حزب کمونیست بلشویک روسیه» و «حزب کمونیست کارگری روسیه» نیز حضور داشتند، اما تاکید کردند که ترجیح می‌دهند به «حزب کمونیست اتحاد شوروی» بپیوندند تا «حزب کمونیست فدراسیون روسیه».

محور برنامه مصوب کنگره مسکو، تجدید وحدت اتحاد شوروی بر اساس پیوند داوطلبانه جمهوری‌هاست. این برنامه خواهان توقف روند لجام‌گسیخته خصوصی کردن اقتصاد روسیه شده است. در حالی‌که طرح اولیه برنامه، حاوی موضعگیری تند علیه هرگونه مالکیت خصوصی بود، کنگره این موضعگیری را تعدیل کرد.

والتین کویتسوف دبیر پیشین کمیته مرکزی حزب کمونیست شوروی که اداره جلسات کنگره را

آقای دستیب س. لطیف از آلمان

کتاب «آوای شهروندان» نوشته شما نویسنده محترم را که حاوی پنج داستان کوتاه بود، دریافت کردیم. از شما متشکریم. از نشریه کار خواسته‌اید تا در باره این کتاب اظهار نظر کند. از ابراز لطف شما سپاسگزاریم. ولی تصدیق می‌فرمائید که علی‌العموم درست اینست که نقد یک اثر هنری و یا ادبی توسط افراد صورت گیرد. و نشریه کار صرفاً این آمادگی را دارد که نظرات منتقدان را با در نظر داشت محدودیت‌های خود، درج کند. در همین حال ما میتوانیم خرسندی خود را بطور کلی از این نکته ابراز بداریم که با گذشت زمان، بیش از پیش زندگی در فربت انبوه‌های از هم میهنان ما، جزو درونمایه آثار ادبی و هنری در خارج از کشور میشود. این، یک ضرورت است و پاسخ به ضرورت هم، فی‌نفسه شایان تقدیر.

مسئولان محترم کمیته

پناهندگان ایرانی در ترکیه (آنگار او شهرستانها)

با سلام به شما و دیگر هموطنان دردمندی که با مشکلات فراوان روبرو هستید.

نامه فاکس شده شما در تاریخ ۲۱ ژانویه متأسفانه بصورت ناقص بدست ما رسید و ما نتوانستیم و نمیتوانیم آنگونه که باید و شاید نامه شما را در نشریه درج کنیم. در انتظار دریافت کامل آن هستیم. برای شما در وظیفه انسانی که بر دوش گرفته‌اید، آرزوی موفقیت داریم.

دوست هنرمند آقای شهرام

از سوئد
با سلام متقابل، از اعلام آمادگی شما برای همکاری با نشریه خرسندیم. طرح‌های شما را دریافت کردیم. بموقع از آنها استفاده خواهد شد. اندازه طرح‌های ارسالی، مناسب بودند و در باره رنگ طرح‌ها هم طبعاً اندکی پررنگ‌تر، بهتر نوشته‌اید که «به هر شکل، ساده‌ترین کاری است که از دست من بر می‌آید» و باید بگوئیم که از خرد است که کلان بر میخیزد. پشتگرمی ما به همین همکاری‌هاست. موفق باشید.

نیوزویک

ادامه از صفحه ۱۱

فرب می‌گوید: «اکنون آنها هذر و بمانه ندارند، و پس از سالها صلح چیزی برای هر ضه ندارند. مردم می‌پرسند چرا باید پول خرج کمک به بنیادگرایان اسلامی در سودان کنیم در حالی که وضع خودمان اینقدر خراب است؟» حریق‌های ایدئولوژیک، همداختا خاموش شده‌اند. یک کارمند سازمان ملل که در تهران کار می‌کند می‌گوید: «اکنون کسی به فکر صدور انقلاب نیست، همه به فکر صدور کالا هستند.»

مدیر یک هتل در تهران می‌گوید: «به نظر می‌رسد اوضاع هیچگاه تغییر نمی‌کند، بلکه هر ماه بدتر می‌شود.» وی می‌افزاید که بالاخره تحولی روی خواهد داد، و می‌پرسد: «آیا تحول زمانی صورت نخواهد گرفت که دیگر دیر شده باشد؟» سال گذشته شورش‌های ضد دولتی در سه شهر ایران رخ داد. مقامات دولتی که خود با تظاهرات توده‌ای به قدرت رسیده‌اند، به سرعت واکنش نشان داده و موجی از اهدام براه انداختند. در نهایت، چنین سیاستی به ضرر خود رژیم تمام خواهد شد. رژیم می‌کند که در خارج از کشور پیوسته منزوی‌تر شده است، در داخل نیز پیوسته از حمایت کمتری برخوردار است.

با اشتراک «کار» ما را در پیشبرد وظایفمان یاری رسانید

<p>فرم اشتراک</p> <p>برای اشتراک نشریه کار، فرم زیر را پر کرده، به آدرس نشریه کار ارسال نمائید.</p> <p>ما یلم نشریه کار را برای مدت شش ماه <input type="checkbox"/> یکسال <input type="checkbox"/> مشترک شوم. معادل بهای اشتراک بصورت حواله بانکی <input type="checkbox"/> تمبر پستی <input type="checkbox"/> همراه نامه است.</p> <p>آدرس: _____ (لطفاً خوانا بنویسید) Name: _____ Address: _____</p>	<p>بهای اشتراک نشریه کار</p> <table border="1"> <tr> <td>شش ماهه</td> <td>یکساله</td> </tr> <tr> <td>اروپا</td> <td>۹۰ مارک</td> </tr> <tr> <td>سایر کشورها</td> <td>۵۲ مارک</td> </tr> <tr> <td></td> <td>۱۰۴ مارک</td> </tr> </table> <p>مطالبی که با امضا فردی در کار درج می‌شود، لزوماً بیانگر موضع و نظر نشریه نیست.</p>	شش ماهه	یکساله	اروپا	۹۰ مارک	سایر کشورها	۵۲ مارک		۱۰۴ مارک	<p>ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)</p> <p>حساب بانکی: M.ABD NR_35263011 37050198 کدبانک: Stadtparkasse Köln GERMANY</p> <p>آدرس: Ruzbeh Postfach 1810 5100 Aachen Germany</p> <p>fax: 00 49 - 221 - 3318290</p>
شش ماهه	یکساله									
اروپا	۹۰ مارک									
سایر کشورها	۵۲ مارک									
	۱۰۴ مارک									

نیوزویک : رهبران ایران دیگر نمی توانند دشمنان خارجی را مسئول خطاهای خود معرفی کنند

متحدان سابق ، دولت کابل را تنها گذاشته اند

هفته نامه امریکایی نیوزویک به مناسبت سالگرد انقلاب ۲۲ بهمن مقاله ای در باره اوضاع فعلی ایران چاپ کرده است که ترجمه آن را درج می کنیم .

در تهران ، فعالین دانشجویی دیروز اکنون ریش سفید دارند ، اما کماکان در دانشگاه بسر می برند و بر کمیته های انقلابی که به دانشجویان جوان حکم می کنند چگونه باید فکر کنند و به استادان دستور می دهند چگونه باید تدریس کنند ، مسلط اند ، باین حال ، جهان خارج دست به ترمیم زده است ، اکنون پس از درس دانشجویان اگر بتوانند بهای ۲۰ نان را بپردازند ، رسماً امکان خرید کواکولای واقعی را دارند . آنها حتی می توانند از طریق فاکس ، اخبار و پیامهای سانسور نشده را از کشورهای دیگر دریافت کنند ، البته دولت بر لزوم کسب اجازه برای دستگاه فاکس پافشاری می کند . مردم برای نخستین بار پس از چهارده سال در تلویزیون برنامه های غربی می بینند ، البته فقط کارتون برای بچه ها ، یک فروشنده نوار ویدئو ، مراسم چندی به خانه سر می زند و نوارهای حساسی مانند "فریزه بدوی" و "روح" را که در کیف خود پنهان کرده است ، می آورد (این دو فیلم اخیراً با استقبال وسیعی روبرو شدند) ، البته این فروشنده خطر زندان و شلاق را بجان می خرد ، آری ، اینجا ایران است .

کرفتند ، در امور اجتماعی و سیاسی به همان اندازه تندرو هستند . رهبری به لحاظ دیپلماتیک منزوی و انعطاف ناپذیر ایران ، چندین فرصت را بر باد داده است . پس از جنگ خلیج ، بسیاری از همسایگان عرب صدام حسین روابط خود را با تهران بهبود بخشیدند ، تا اینکه در تابستان گذشته ، ایران سه جزیره مورد اختلاف با امارات را تصرف کرد و سپس بطور کامل اهلنی اقدام به خرید تانک های جنگی و یک زیردریایی روسی نمود . سایر کشورهای اسلامی ، از مصر گرفته تا الجزایر ، از ایران بابت حمایتش از بنیادگرایان محلی اسلامی ناراضی اند . سال گذشته ، ایران به جرگه کشورهای بسیار معدودی پیوست که صلیب سرخ بین المللی را اخراج کرده اند . کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل ، ایران را بخاطر سرکوب آزادی سیاسی و اعدام زندانیان بدنبال محاکمات سرپایی و مخفیانه ، محکوم کرد . این اعمال ، بطور مؤثر به تلاش ایران برای کسب وجهه بین المللی از طریق دست یافتن به کرسی در چند موسسه سازمان ملل ، لطمه زد . کارزار دیپلماتیک ایران به سود مسلمانان در جنگ داخلی یوسنی ، تحت الشعاع گزارشهای فرستادگان غربی یعنی بر اینکه ایران هلیرفتم تحریم اقتصادی یوگسلاوی ، به صربها نفت می فروشد ، قرار گرفته است .

اقتصاد ایران نیز روبرو وخامت نهاده است . ایران مدهی است ظرف شش ماه گذشته ، تولید نفت خود را افزایش داده و به دومین صادرکننده بزرگ نفت جهان تبدیل شده است ، اما عدم توانایی بانک مرکزی ایران در بازپرداخت ۳۰ میلیارد دلار قروض کوتاه مدت و میان مدت ظرف همین دوره ، به سابقه اعتباری ایران که تا پیش از این بی خدشه بود ، ضربه زده است . ایران که حتی در بدترین سالهای جنگ با عراق نیز بهرکار نشد ، اکنون بوجه چندین پروژه حیاتی را قطع کرده است ، اینک با اینکه ایران مدهی افزایش بیسابقه تولید نفت خود است ، کارشناسان اقتصادی نسبت به اینکه این کشور اصولاً بتواند تا آن حد صادر کننده اوضاع را تغییر دهد ، ابراز تردید می کنند . کمبود منابع مالی باعث این شده است که تلاشهای ایران برای متنوع کردن صنایع خود ، موفقیت چندانی نداشته باشد . نرخ تورم ، بالغ بر سی درصد در سال است ، و درصد بیکاری نیز تقریباً همین مقدار است .

ادامه خصومت ایران نسبت به غرب ، برای شرکتهای غربی کار در ایران را دشوار می کند . همین دو هفته پیش ، دادستان کل ایران اعلام کرد هملوت شیمکوس ، یکی از مقامات یک شرکت ماشین ابزار آلمانی ، به اتهام نامشخص جاسوسی "محکوم به اعدام با دار" شده است ، سپتامبر گذشته یک بازرگان امریکایی بنام میلتون مایر که مدتهاست ساکن ایران است ، به اتهام جاسوسی دستگیر شد و قرار است بزودی محاکمه شود . در هتل ملی شده ایتر کنتینتال ، شعار به لحاظ املائی نادرست نوشته شده "مرگ بر امریکا" به زبان انگلیسی ، حدود یک دهه است که دیده می شود . هنوز دانش آموزان را وادار می کنند که شعار مرگ بر امریکا بدهند . کورش زهمی ، یک استاد برجسته علوم سیاسی و مدیر اقتصادی که هلیرفتم نقش کلیدی اش در دایر کردن آخرین حوزه تجاری آزاد ایران در سیرجان ، بارها به زندان آخوندها افتاده است ، می گوید "نه آنها که شعار مرگ بر امریکار می شنوند و نه آنها که این شعار را می دهند ، دیگران را جدی نمی گیرند ." میزان گشایش ایران به سوی شرکت های غربی ، تعجب آور است . سالها بود که ایرانی ها برای فروش نوشابه تولیدی خود از بطری های کهنه کواکولا استفاده می کردند ، تا اینکه سال گذشته یک سرمایه دار معروف مشهدی قراردادی با شعبه آلمان کواکولا برای فروش کولای واقعی امضا کرد . دولت در اجرای این قرارداد همکاری کرد و نوشابه جعلی را از بازار جمع آوری نمود . در میان شرکتهایی که در این پروژه در مشغول سرمایه گذاری کرده اند ، نام یک بنیاد مذهبی اسلامی دیده می شود . زهمی می گوید : "در اینجا بازار و تجارت بسیار قدرتمندند ، و جامعه مذهبی نیز گرایش به تجارت دارد . همدیگر را خوب می فهمند ، از این رو است که موضع ضد امریکایی آخوندها هرگز مانع از معامله آنها با امریکان نشد است ." زندگی در ایران دچار چنین تضادهایی است . صنایع نفت ، بانکها و بسیاری دیگر از شرکتهای اصلی ملی شده اند ، اما کسب آزاد تسویق می شود ، اموال بعضی ها را بدون ذکر دلیل مصادره کرده اند ، برخی دیگر برخلاف انتظار خود ، اموال خانودگی شان را به حکم آخوندها پس گرفته اند . رضا پالیزی یکی از ایرانیان فراوانی است که از مهاجرت به امریکا بهدوخت دولت ایران بازگشتند ، او می گوید : "من دریافت می کنم که در این کشور ، بسیار بیش از آنچه مردم فکر می کردند ، آزادی وجود دارد . آنچه قانون شمار از آن منع می کند چند مورد بیشتر نیست : اجازه نوشیدن مشروب ندادند ، و خانمها باید سر خود را بپوشانند . وقتی راجع به آن فکر کنید ، در می یابید که آنقدرها هم مهم نیست . در اساس برای مردها چیز قابل ذکری تغییر نکرده است . به ما خیلی خوش می گذرد ." دوسال پیش ، پالیزی املاک خانوادگی وسیع خود در غرب کردستان را پس گرفت و ۳۵۰ روستا با زمینهایی به وسعت یک میلیون متر مربع ، از جمله حدود ۲۰ هزار متر مربع در شهر کرمانشاه ، او می گوید : "مالکیت در اسلام مقدس است ، در اینجا شما در یک دوره ده ساله بیش از مقداری که در مدت ۱۰۰ سال در جای دیگر کاسبید ، پول در می آورید ." دخالت دولت در زندگی خصوصی ، کماکان بسیاری از مردم ایران ، به ویژه طبقه متوسط را آزار می دهد ، اخیراً یک مدیر اقتصادی موفق بنام شمیم در آپارتمان مجلل خود در شمال تهران جشن تولد گرفته بود . بسیاری به این جشن حمله کردند . بسیاری ها ، نیروهای داوطلبی هستند که از میان فقرا برای انجام مأموریت هایی مانند حمله به زبانی که جرات نشان دادن موهای خود از زیر حجاب را به خود می دهند ، و دستگیری جوانانی که به موزیکی متفاوت از آواهای گوشخراش مذهبی کم اجازه بخش آن آزادیوی اتومبیل

ادامه از صفحه ۱۲
کشیده شد . جنگ تابستان ، بیش از هزار کشته بجای گذاشت و نیم میلیون از اهالی کابل را وادار به گریز کرد . در آن هنگام ، حکمت یار از آوارگان خواست که برنگردند ، چرا که "دفعه بعد از این هم بدتر خواهد بود ." حکمت یار به قول خود وفا کرد . نیروهای او به تخریب خانه به خانه کابل مشغولند . شبکه برق و آب از کار افتاده است ، خوراک و سوخت که از خط جبهه می گذرد ، در کابل به بهای گزاف بفروش می رسد . در بیمارستانها عمل جراحی تحت ابتدایی ترین شرایط انجام می گیرد . هیچ کس نمی داند نبردهای دی و بومن ، به بهای مرگ چه تعدادی انسان تمام شده است . بر مصائب جنگ ، سرمایه زمستان نیز افزوده شده است که امسال ، یک ماه زودتر از موعد معمول آغاز شد . در کابل درجه پروت گاه به بیست درجه



"مجاهدین"

جز جنگ چیز دیگری نیاموخته اند .

زیر صفر می رسد . متحدان سابق احمد شاه مسعود ، او را تنها گذاشته اند . وقتی به موجب یک پیمان صلح نیروهای غیر دولتی در کابل خلع سلاح شوند ، نیروهای شیعه حزب وحدت اسلامی در هراس از اینکه بعنوان یک اقلیت ، بدون اسلحه نتوانند از منافع خود دفاع کنند ، کابل را با سلاحهای خود ترک کردند . سپس نوبت به ژنرال عبدالرشید دوستم فرمانده نیروهای شبه نظامی ازبک رسید که سالها در خدمت دولت نجیب الله بود و آنگاه به احمد شاه مسعود در کسب قدرت یاری رساند . یکی از همل عمده شکست حکمت یار در جنگ مرداد ماه ، این بود که دوستم و نیروهایش در کنار مسعود قرار داشتند . اما ازبکها اکنون کابل را ترک کرده اند زیرا برای ژنرال دوستم حفظ حیطة قدرتش در شمال ، مهجرت است تا پابرجا نگه داشتن دولت ربانی . دوستم پذیرش سمت معاونت وزیر دفاع را منوط به توافق رهبران "مجاهدین" بر سر یک مشی مشترک کرده است ،

در تدارک

کنفرانس جهانی حقوق بشر

ادامه از صفحه ۱۲

که مستقلاً با اختیارات وسیع عمل میکند ، متمرکز شود . (مثل امور مربوط به آوارگان) و کلیه واحد ها ، کارشناسان ، گزارشگران ویژه و کارمندان دائمی سازمان ملل در زمینه حقوق بشر تحت اختیار وی قرار

ادامه در صفحه ۱۰

سفر وزیر خارجه آمریکا به خاور میانه

تنها در ماه دسامبر ۱۹۹۲، در مناطق اشغالی ۲۳ نفر توسط ارتش اسرائیل کشته شده اند

انتخابات ریاست جمهوری در لیتوانی

بسر برده است. ناظران، پیروزی برازاوسکاس را از جمله مرهون این امر می دانند که رقیب وی از نظر مردم لیتوانی شرایط این کشور را به خوبی برازاوسکاس که یک کارشناس امور اقتصادی است، نمی شناسد. لوتسورایتیس تنها چند هفته پیش پس از ده سال مهاجرت به لیتوانی بازگشت و بعنوان کاندیدای احزاب محافظه کار، وارد کارزار انتخاباتی شد. مخالفان وی در این کارزار او را "امریکایی" لقب دادند.



میزان آرای برازاوسکاس به ویژه در میان اهالی روس و لهستانی لیتوانی بالا بود. آنها با اکثریت ۸۵ درصد به رهبر سابق حزب کمونیست رای دادند. این امر باعث شد که رقیب او پس از اعلام نتایج آرا مدعی شود که انتخاب کنندگان برازاوسکاس "کسانی هستند که هنوز حسرت گذشته را می خورند". دولت لاندسبرگیس، میراث اقتصادی شومی بجا گذاشته است. طی سال گذشته، تولید اقتصادی و کشاورزی در لیتوانی ۵۰ درصد کاهش یافت و نرخ تورم به ۱۱۰۰ درصد رسید. در طول سه سال پس از استقلال، سطح زندگی در لیتوانی ۷۳ درصد کاهش یافته است. دولت برازاوسکاس خواهد کوشید با افزایش درآمد مردم، از نارضایتی بکاهد. نخستین گام های حزب دموکراتیک کارگران پس از پیروزی در انتخابات پارلمانی اکتبر ۱۹۹۲، افزایش ۲۰ درصدی حقوق کارمندان دولت و برقراری کنترل اکیدمت ها بود. برازاوسکاس رئیس جمهور لیتوانی خود را دیگر کمونیست نمی داند او مدعی است که از هنگام پیوستن به حزب کمونیست در سال ۱۹۵۹، هیچگاه کمونیست معتقدی نبوده است. در دولت حزب دموکراتیک کارگری که پس از انتخابات پارلمانی اکتبر گذشته تشکیل شد، تنها سه عضو سابق حزب کمونیست حضور دارند باقی اعضای کابینه، تکنوکراتهای غیر حزبی اند.

مخالف منوط کردن از سرگیری مذاکرات به بازگشت تبعیدی ها از لبنان به مناطق اشغالی است. در مقابل، خود تبعیدی ها خواهان اجرای قطعنامه ۷۹۹ شورای امنیت شده اند. در آستانه سفر کریستوفر به خاور میانه، نیروهای حزب الله لبنان به مناسبت سالگرد قتل عباس موسوی رهبر این گروه توسط ارتش اسرائیل، دست به حمله گسترده ای علیه مواضع شبه نظامیان ارتش جنوب لبنان که متحد اسرائیل اند، زدند. ارتش جنوب لبنان با آتش توپخانه به حمله حزب الله پاسخ داد. نیروی هوایی اسرائیل نیز روستاهای محل استقرار حزب الله در جنوب لبنان را بمباران کرد. به گزارش مقامات لبنان، در این تیردها حداقل چهارتن کشته و ۲۱ نفر مجروح شدند. یک جمعیت دفاع از حقوق بشر در نوار فزه اعلام کرد ادعای مقامات اسرائیلی مبنی بر اینکه یکی از فرماندهان گروه افراطی "جهاد اسلامی" هنگامی که در محاصره ماموران بروی آنها اسلحه کشیده کشته شده است، با اظهارات شاهدان عینی مطابقت ندارد. این گزارش حاکی است دو نظامی و یک مامور مخفی اسرائیلی در حیات خلوت یک خانه، فرد مظنون را که سلاح نداشت، دستگیر کردند و به او دستبند زدند. سپس او را با ضرب و

مخالف منوط کردن از سرگیری مذاکرات به بازگشت تبعیدی ها از لبنان به مناطق اشغالی است. در مقابل، خود تبعیدی ها خواهان اجرای قطعنامه ۷۹۹ شورای امنیت شده اند. در آستانه سفر کریستوفر به خاور میانه، نیروهای حزب الله لبنان به مناسبت سالگرد قتل عباس موسوی رهبر این گروه توسط ارتش اسرائیل، دست به حمله گسترده ای علیه مواضع شبه نظامیان ارتش جنوب لبنان که متحد اسرائیل اند، زدند. ارتش جنوب لبنان با آتش توپخانه به حمله حزب الله پاسخ داد. نیروی هوایی اسرائیل نیز روستاهای محل استقرار حزب الله در جنوب لبنان را بمباران کرد. به گزارش مقامات لبنان، در این تیردها حداقل چهارتن کشته و ۲۱ نفر مجروح شدند. یک جمعیت دفاع از حقوق بشر در نوار فزه اعلام کرد ادعای مقامات اسرائیلی مبنی بر اینکه یکی از فرماندهان گروه افراطی "جهاد اسلامی" هنگامی که در محاصره ماموران بروی آنها اسلحه کشیده کشته شده است، با اظهارات شاهدان عینی مطابقت ندارد. این گزارش حاکی است دو نظامی و یک مامور مخفی اسرائیلی در حیات خلوت یک خانه، فرد مظنون را که سلاح نداشت، دستگیر کردند و به او دستبند زدند. سپس او را با ضرب و

مخالف منوط کردن از سرگیری مذاکرات به بازگشت تبعیدی ها از لبنان به مناطق اشغالی است. در مقابل، خود تبعیدی ها خواهان اجرای قطعنامه ۷۹۹ شورای امنیت شده اند. در آستانه سفر کریستوفر به خاور میانه، نیروهای حزب الله لبنان به مناسبت سالگرد قتل عباس موسوی رهبر این گروه توسط ارتش اسرائیل، دست به حمله گسترده ای علیه مواضع شبه نظامیان ارتش جنوب لبنان که متحد اسرائیل اند، زدند. ارتش جنوب لبنان با آتش توپخانه به حمله حزب الله پاسخ داد. نیروی هوایی اسرائیل نیز روستاهای محل استقرار حزب الله در جنوب لبنان را بمباران کرد. به گزارش مقامات لبنان، در این تیردها حداقل چهارتن کشته و ۲۱ نفر مجروح شدند. یک جمعیت دفاع از حقوق بشر در نوار فزه اعلام کرد ادعای مقامات اسرائیلی مبنی بر اینکه یکی از فرماندهان گروه افراطی "جهاد اسلامی" هنگامی که در محاصره ماموران بروی آنها اسلحه کشیده کشته شده است، با اظهارات شاهدان عینی مطابقت ندارد. این گزارش حاکی است دو نظامی و یک مامور مخفی اسرائیلی در حیات خلوت یک خانه، فرد مظنون را که سلاح نداشت، دستگیر کردند و به او دستبند زدند. سپس او را با ضرب و

مخالف منوط کردن از سرگیری مذاکرات به بازگشت تبعیدی ها از لبنان به مناطق اشغالی است. در مقابل، خود تبعیدی ها خواهان اجرای قطعنامه ۷۹۹ شورای امنیت شده اند. در آستانه سفر کریستوفر به خاور میانه، نیروهای حزب الله لبنان به مناسبت سالگرد قتل عباس موسوی رهبر این گروه توسط ارتش اسرائیل، دست به حمله گسترده ای علیه مواضع شبه نظامیان ارتش جنوب لبنان که متحد اسرائیل اند، زدند. ارتش جنوب لبنان با آتش توپخانه به حمله حزب الله پاسخ داد. نیروی هوایی اسرائیل نیز روستاهای محل استقرار حزب الله در جنوب لبنان را بمباران کرد. به گزارش مقامات لبنان، در این تیردها حداقل چهارتن کشته و ۲۱ نفر مجروح شدند. یک جمعیت دفاع از حقوق بشر در نوار فزه اعلام کرد ادعای مقامات اسرائیلی مبنی بر اینکه یکی از فرماندهان گروه افراطی "جهاد اسلامی" هنگامی که در محاصره ماموران بروی آنها اسلحه کشیده کشته شده است، با اظهارات شاهدان عینی مطابقت ندارد. این گزارش حاکی است دو نظامی و یک مامور مخفی اسرائیلی در حیات خلوت یک خانه، فرد مظنون را که سلاح نداشت، دستگیر کردند و به او دستبند زدند. سپس او را با ضرب و

در تدارک کنفرانس جهانی حقوق بشر

مطابق گزارش ها اکثر نزدیک به تمام هیات های نمایندگی با ایده تشکیل چنین دادگاهی موافق بودند. لذا این پیشنهاد قطعاً در دستور کنفرانس وین خواهد بود. اما اینکه به تشکیل آن رای بدهد و آن رای نیز به اجراء آید مسأله ای است که به بسیاری از عوامل سیاسی و مصالح خاص دولت عمل مشروطی است. ضمناً پارلمان اروپا رسماً تهدید کرده است که اگر کنفرانس وین به این پیشنهاد رای ندهد آن دادگاه اروپائی حقوق بشر "آن را آماده پذیرش همان وظایف خواهد ساخت. مسأله دوم، که در دستور کار کنفرانس وین قرار دارد، مسأله اصلاح ساختار دستگاه اداری سازمان ملل در زمینه حقوق بشر است. در این زمینه سازمان ملل بین الملل کامل ترین طرح پیشنهادی را ارائه داده است. عفو بین الملل در گزارشی ۱۷۰۰۰ کلمه ای که به کنفرانس استراسبورگ ارائه کرد ضمن بر شمردن وضع دهشتناک حقوق بشر در اقصی نقاط دنیا به بی توجهی دولت ها به موارد اعدام های دسته جمعی، شکنجه و بازداشت خودسرانه در ابعاد توده ای، و به تعداد سرسام آور ناپدید شدگان به عنف (۱۷۰۰۰ نفر در سال ۹۱) اشاره می کند. در این گزارش عفو بین الملل می گوید کمیسیون حقوق بشر ژنو و رئیس آن دارای اختیارات محدود است و اگر بخواهند برای تحقیقات

مطابق گزارش ها اکثر نزدیک به تمام هیات های نمایندگی با ایده تشکیل چنین دادگاهی موافق بودند. لذا این پیشنهاد قطعاً در دستور کنفرانس وین خواهد بود. اما اینکه به تشکیل آن رای بدهد و آن رای نیز به اجراء آید مسأله ای است که به بسیاری از عوامل سیاسی و مصالح خاص دولت عمل مشروطی است. ضمناً پارلمان اروپا رسماً تهدید کرده است که اگر کنفرانس وین به این پیشنهاد رای ندهد آن دادگاه اروپائی حقوق بشر "آن را آماده پذیرش همان وظایف خواهد ساخت. مسأله دوم، که در دستور کار کنفرانس وین قرار دارد، مسأله اصلاح ساختار دستگاه اداری سازمان ملل در زمینه حقوق بشر است. در این زمینه سازمان ملل بین الملل کامل ترین طرح پیشنهادی را ارائه داده است. عفو بین الملل در گزارشی ۱۷۰۰۰ کلمه ای که به کنفرانس استراسبورگ ارائه کرد ضمن بر شمردن وضع دهشتناک حقوق بشر در اقصی نقاط دنیا به بی توجهی دولت ها به موارد اعدام های دسته جمعی، شکنجه و بازداشت خودسرانه در ابعاد توده ای، و به تعداد سرسام آور ناپدید شدگان به عنف (۱۷۰۰۰ نفر در سال ۹۱) اشاره می کند. در این گزارش عفو بین الملل می گوید کمیسیون حقوق بشر ژنو و رئیس آن دارای اختیارات محدود است و اگر بخواهند برای تحقیقات

مطابق گزارش ها اکثر نزدیک به تمام هیات های نمایندگی با ایده تشکیل چنین دادگاهی موافق بودند. لذا این پیشنهاد قطعاً در دستور کنفرانس وین خواهد بود. اما اینکه به تشکیل آن رای بدهد و آن رای نیز به اجراء آید مسأله ای است که به بسیاری از عوامل سیاسی و مصالح خاص دولت عمل مشروطی است. ضمناً پارلمان اروپا رسماً تهدید کرده است که اگر کنفرانس وین به این پیشنهاد رای ندهد آن دادگاه اروپائی حقوق بشر "آن را آماده پذیرش همان وظایف خواهد ساخت. مسأله دوم، که در دستور کار کنفرانس وین قرار دارد، مسأله اصلاح ساختار دستگاه اداری سازمان ملل در زمینه حقوق بشر است. در این زمینه سازمان ملل بین الملل کامل ترین طرح پیشنهادی را ارائه داده است. عفو بین الملل در گزارشی ۱۷۰۰۰ کلمه ای که به کنفرانس استراسبورگ ارائه کرد ضمن بر شمردن وضع دهشتناک حقوق بشر در اقصی نقاط دنیا به بی توجهی دولت ها به موارد اعدام های دسته جمعی، شکنجه و بازداشت خودسرانه در ابعاد توده ای، و به تعداد سرسام آور ناپدید شدگان به عنف (۱۷۰۰۰ نفر در سال ۹۱) اشاره می کند. در این گزارش عفو بین الملل می گوید کمیسیون حقوق بشر ژنو و رئیس آن دارای اختیارات محدود است و اگر بخواهند برای تحقیقات

مطابق گزارش ها اکثر نزدیک به تمام هیات های نمایندگی با ایده تشکیل چنین دادگاهی موافق بودند. لذا این پیشنهاد قطعاً در دستور کنفرانس وین خواهد بود. اما اینکه به تشکیل آن رای بدهد و آن رای نیز به اجراء آید مسأله ای است که به بسیاری از عوامل سیاسی و مصالح خاص دولت عمل مشروطی است. ضمناً پارلمان اروپا رسماً تهدید کرده است که اگر کنفرانس وین به این پیشنهاد رای ندهد آن دادگاه اروپائی حقوق بشر "آن را آماده پذیرش همان وظایف خواهد ساخت. مسأله دوم، که در دستور کار کنفرانس وین قرار دارد، مسأله اصلاح ساختار دستگاه اداری سازمان ملل در زمینه حقوق بشر است. در این زمینه سازمان ملل بین الملل کامل ترین طرح پیشنهادی را ارائه داده است. عفو بین الملل در گزارشی ۱۷۰۰۰ کلمه ای که به کنفرانس استراسبورگ ارائه کرد ضمن بر شمردن وضع دهشتناک حقوق بشر در اقصی نقاط دنیا به بی توجهی دولت ها به موارد اعدام های دسته جمعی، شکنجه و بازداشت خودسرانه در ابعاد توده ای، و به تعداد سرسام آور ناپدید شدگان به عنف (۱۷۰۰۰ نفر در سال ۹۱) اشاره می کند. در این گزارش عفو بین الملل می گوید کمیسیون حقوق بشر ژنو و رئیس آن دارای اختیارات محدود است و اگر بخواهند برای تحقیقات

متحدان سابق، دولت کابل را تنها گذاشته اند

نزدیک به ده ماه پس از فتح کابل توسط احمدشاه مسعود که از آن هنگام تا کنون وزیر دفاع افغانستان است، پایتخت این کشور همچنان زیر آتش سنگین توپ و موشک قرار دارد. در تمام طول ماه گذشته این آتش روز و شب ادامه داشت، تا اینکه هفته گذشته رئیس پیشین سازمان امنیت پاکستان تلاش جدیدی برای میانجیگری میان گروه های "مجاهدین" آغاز کرد و بدین مناسبت، طرفهای درگیر جنگ با ماموریت میانجی، موافقت نمودند. در جریان نبره های اخیر، نیروهای گلبدین حکمت یار در جنوب و شرق کابل حلقه محاصره را پیوسته تنگ تر کردند. حزب اسلامی حکمت یار جاده ای را که از کابل به سمت پاکستان می رود و از طریق آن حداقل مقداری مواد غذایی و سوخت به پایتخت، افغانستان می رسید، بسته اند.

نزدیک به ده ماه پس از فتح کابل توسط احمدشاه مسعود که از آن هنگام تا کنون وزیر دفاع افغانستان است، پایتخت این کشور همچنان زیر آتش سنگین توپ و موشک قرار دارد. در تمام طول ماه گذشته این آتش روز و شب ادامه داشت، تا اینکه هفته گذشته رئیس پیشین سازمان امنیت پاکستان تلاش جدیدی برای میانجیگری میان گروه های "مجاهدین" آغاز کرد و بدین مناسبت، طرفهای درگیر جنگ با ماموریت میانجی، موافقت نمودند. در جریان نبره های اخیر، نیروهای گلبدین حکمت یار در جنوب و شرق کابل حلقه محاصره را پیوسته تنگ تر کردند. حزب اسلامی حکمت یار جاده ای را که از کابل به سمت پاکستان می رود و از طریق آن حداقل مقداری مواد غذایی و سوخت به پایتخت، افغانستان می رسید، بسته اند.